

گزارش نهایی طرح کوتاه، آینده پژوهی سلامت اجتماعی

چکیده:

مقدمه

سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت می باشد که در سالیان اخیر اهمیت آن مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تغییرات روزافزون در جهان، پیش بینی حوادث و روندهای احتمالی آینده و میزان تاثیر آنها بر سلامت اجتماعی ضروری به نظر می رسد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر روندهای جهانی آینده بر روی مؤلفه های سلامت اجتماعی کشور انجام گرفته است.

روش

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع اثرهای متقاطع است. ابتدا با بررسی متون روندها و حوادث احتمالی جهانی در آینده شناسایی و دسته بندی شدند. سپس به کمک آنها پرسشنامه ای طراحی گردید. این پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت و نظرات آنها پس از جمع آوری، کد گذاری شده و مورد تحلیل کیفی قرار گرفتند و چگونگی تاثیر رویداد های آینده بر روی مؤلفه های سلامت اجتماعی از این طریق بدست آمد. روندهای احتمالی آینده به چهار دسته اصلی شامل تغییرات جمعیتی، تغییرات منابع، تغییرات اقلیمی و جهانی شدن تقسیم بندی شدند که شامل ۱۲ گروه از حوادث می باشند.

نتایج

در مورد تاثیر مسن تر شدن جمعیت بر سلامت اجتماعی از نظر خبرگان دو دیدگاه متفاوت وجود داشت. عده ای از مصاحبه شوندگان معتقد بودند در حال حاضر ما سالمندانی افسرده و منزوی داریم که تعاملات اجتماعی اندکی دارند و اگر به همین صورت پیش برویم در آینده با افزایش نسبت تعداد سالمندان به کل جمعیت سلامت اجتماعی ما کاهش خواهد یافت اما به اعتقاد برخی دیگر، هر سالمند کانونی است که سایر افراد را به دور خود جمع می کند و سالمندان می توانند باعث افزایش سرمایه اجتماعی جامعه شوند. از سوی دیگر به دلیل افزایش نسبت سرباری گروه مولد باید بیشتر کار کند و فرصت کمتری برای اوقات فراغت و تعامل با خانواده و دوستان و کارداوطلبانه برای اجتماع و جامعه خواهد داشت. گسترش شهرنشینی دو روند دارد: «افزایش ابرشهرها (متروپلها) و شهرهای بزرگ» و «افزایش شهرهای کوچک و متوسط» که اولی اثر منفی بر سلامت اجتماعی خواهد داشت و دومی اثر مثبت. روند مهاجرت به صورت کنونی در طولانی مدت باعث خروج نخبگان و سرمایه های فکری از کشور و در واقع فرار ژن ها خواهد شد و با اینکه ممکن است فرد مهاجرت کننده بتواند خود را با شرایط جدید وفق دهند و ارتباطات اجتماعی خوبی در کشور جدید داشته باشند ولی در هر حال پیوند خود با کشور مادری و بالطبع آن بسیاری از ارتباطات و تعاملات خود را از دست داده اند و بنظر می رسد که در کل مهاجرت باعث کاهش سلامت اجتماعی ایرانیان خواهد گردید. گسترش اینترنت و شبکه های اجتماعی نوع روابط بین فردی در جامعه را دستخوش تغییر خواهد کرد و باعث ایجاد روابط مجازی بین افراد می شود که این روابط مجازی با اینکه کمیت زیادی دارند اما اغلب ممکن است سطحی باشند که باعث کاهش سرمایه های اجتماعی واقعی خواهد شد. آموزش های مجازی باعث می شود تا همه افراد از فرصتهای مساوی برای فراگیری بر خوردار شوند که سبب کاهش افت تحصیلی، رونق اقتصادی، توسعه اقتصادی و افزایش مشارکت اجتماعی افراد جامعه خواهد شد. خشکسالی ها و تغییرات اقلیمی نیز با ایجاد فقر و مهاجرت به طور غیر مستقیم سلامت اجتماعی را مورد تهدید قرار خواهند داد. جهانی شدن نیز تاثیرات مثبت و منفی فراوانی بر سلامت اجتماعی ایرانیان خواهد داشت. تحلیل نظرات خبرگان نشان می دهد که روندهای آینده در چهار حیطه تغییرات جمعیتی، تغییرات منابع، تغییرات اقلیمی و جهانی شدن بالقوه تاثیرات متغیر و بیشتر منفی بر روی سلامت اجتماعی ایرانیان دارند:

بحث و نتیجه گیری

در مجموع با توجه به روندهای چهارگانه جهانی اتفاق مهم آینده چالش منابع است که اثر نهایی و بالقوه آن در افزایش نابرابری ها و سپس تهدید اجتماعی بروز می یابد، از آنجائیکه نابرابری ها به عنوان کلیدی ترین عامل خطر سلامت جوامع مطرح هستند راهکار مثبت کردن تاثیر روندهای جهانی بر سلامت اجتماعی ایرانیان مدیریت بحران نابرابری ها است که از پیش بینی و اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه در هر چهار منبع شروع می شود. علاوه بر آن تدوین برنامه ملی سلامت اجتماعی، ورود هدفمند اجزای آن به برنامه های ششم و هفتم توسعه کشور و رصد ملی شاخص های مختلف سلامت اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی ضروری است.

مقدمه

بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت محسوب می شود که از دو بعد جسمی و روانی سلامت تاثیر پذیرفته و بر آنها اثر متقابل دارد.^۱ در مورد تعریف دقیق سلامت اجتماعی اجماعی وجود ندارد اما به طور کلی سلامت اجتماعی به صورت کمیت و کیفیت تعامل فرد با اجتماع به منظور ارتقای رفاه آحاد جامعه تعریف می گردد که نتیجه نهایی این تعامل ارتقای سرمایه اجتماعی، یعنی کاهش فقر و بی عدالتی و نقطه مقابل آن افزایش آسیب های اجتماعی می باشد.^۲ سلامت اجتماعی با شاخصهای مختلفی قابل سنجش است که از آن جمله می توان از وضعیت شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و مشارکت اجتماعی را نام برد.^۳ تا چند دهه پیش برنامه ها و سیاستهای نظام های سلامت دنیا بر سلامت جسمی و روانی افراد متمرکز بود اما امروزه به روشنی نشان داده شده که رشد آسیبهای اجتماعی، بار بیماریهای جسمی و روانی را افزایش داده و اهمیت سلامت اجتماعی و شاخص های مرتبط با آن را نمی توان نادیده گرفت.^۴ بر اساس این نگرش وقتی آسیب ها یا مسائل اجتماعی را نتیجه کمبود سلامت اجتماعی بدانیم در اینصورت می توان برای پیشگیری از بروز و یا تخفیف آسیب های ناشی از خشونت، اعتیاد، فرار مالیاتی، مهاجرت، انواع جرم و بزهکاری، روسپیری، قاچاق، شرارت و غیره که از آسیب های مهم اجتماعی هستند^۵ راهکارهای عملی ارائه داد. با توجه به تغییرات سریع و شگرفی که در سالهای اخیر در به ویژه در حیطه فناوری و اطلاعات - که از آن به عنوان انقلاب اطلاعاتی یاد می شود- در حال روی دادن است که تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی را دستخوش تغییر نموده است، پیش بینی وضعیت آینده سلامت اجتماعی و چالشهای پیش رو در این زمینه اقدامی ضروری به نظر می رسد. هدف از انجام پژوهش حال حاضر تهیه گزارش از چگونگی تأثیر روندهای جهانی آینده بر روی مؤلفه های سلامت اجتماعی ایران در جهت اتخاذ رویکرد مناسب با آسیب ها و مسائل اجتماعی پیش رو می باشد.

به طور کلی روندهای آینده استخراج شده از مقالات را می توان به چهار دسته اصلی شامل تغییرات جمعیتی، تغییرات منابع، تغییرات اقلیمی و جهانی شدن تقسیم بندی نمود.

دسته اول) روند تغییرات جمعیتی

۱) تغییرات ساختار جمعیت و پیر شدن آن

پدیده پیری و کهنسالی در برخی مناطق از دیگر مکان ها شدیدتر و سریعتر ظاهر خواهد شد. امروزه کشور ژاپن با میانگین سن ۴۴/۶ سال پیرترین کشور جهان است. در مقابل، میانگین سن پاکستان فقط ۲۲/۱ سال است که تقریباً نصف کشور ژاپن است. پاکستان کشور جوانی است و ژاپن پر از آدمهای کهنسال. اما هردوی اینها طی ۴۰ سال آینده پیر خواهند شد. تا سال ۲۰۵۰ میانگین سن پاکستانی ها با دوازده سال افزایش به ۳۴ سال و ژاپن به ۵۵ خواهد رسید.^۶



تا سال ۲۰۵۰ کشورهای کره جنوبی، روسیه و چین به عنوان پیرترین کشورهای جهان به ژاپن ملحق خواهند شد. میانگین سن در همه جا افزایش خواهد داشت، اما در کره، ویتنام، مکزیک و ایران این مقدار به طور چشمگیری ۱۵ سال یا بیشتر خواهد بود. فقط جمعیت فقیرترین و کم توسعه یافته ترین کشورها چون افغانستان، سومالی و کنگو در سال ۲۰۵۰ همچنان جوان خواهد ماند.^۶

جمعیت سالمند گرچه می تواند نویدبخش جامعه ای داناتر با خشونت کمتر باشد، اما از طرف دیگر نظام بهداشت و درمان را به چالش می کشد. همچنین تا سال ۲۰۵۰ نسبت وابستگی سالمندی در تمام جهان افزایش خواهد داشت. در کشورهای ایران، سنگاپور و کره نسبت های وابستگی در مقایسه با سال ۲۰۱۰ بیشتر از ۴ برابر خواهد بود.^۶

بدین ترتیب کل موضوع و مفهوم بازنشستگی در شرف بازبینی و تغییر و تحول عمده قرار دارد. از سوی دیگر باید دگرگونی و بازنگری عمده ای در مورد چگونگی رفتار کشورها با مهاجرین خارجی و ارج نهادن به آنها صورت گیرد. وارد کردن زنان به بازار کار آسانترین و سریع ترین راه برای دو برابر کردن تقاضای کار است.^۶

۲) گسترش شهرنشینی:

اگر چه در شروع انقلاب اطلاعاتی برخی از محققان به علت امکان دور بودن از محل کار، دور بودن از محل خرید، رفت و آمد و مانند آن افول شهرنشینی را پیش بینی کرده بودند اما اتفاقات کاملاً برعکسی رخ داد و شهرها رشد فزاینده ای پیدا کردند. علاوه بر آن دنیای وسیع شهری، اغلب خسارات سختی را بر ساکنانش وارد می سازد. امروزه بیش از یک میلیارد نفر در محله های فقیرنشین و زاغه نشین شهری زندگی می کنند. این یعنی با شهرهایی روبه رو هستیم که در یک سوی آن ثروت و رفاه و زندگی پر زرق و برق و در سوی دیگر حلیه آبداهایی که فاقد امکانات اولیه زندگی هستند.^۶

تا سال ۲۰۵۰ تعداد شهرنشینان تقریباً دو برابر شده و از ۳/۳ میلیارد نفر در ۲۰۰۷ به ۶/۴ میلیارد نفر در ۲۰۵۰ خواهد رسید. با این همه، پراکندگی و توزیع جغرافیایی این رشد جمعیتی یکسان نیست. طی دو دهه گذشته جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه به ویژه در قاره آسیا و آفریقا ۳ میلیون نفر در هفته افزایش داشته است. قرن کلان شهرها (جمعیت ۱۰ میلیون یا بیشتر) مدت هاست آغاز شده است. از دو کلان شهر (نیویورک و توکیو) در ۱۹۵۰ به سه کلان شهر (توکیو، نیویورک و مکزیکوسیتی) در ۱۹۷۵ و ۱۹ کلان شهر در ۲۰۰۷ رسید و پیش بینی می شود که تا ۲۰۲۵ تعدادشان به ۲۷ عدد برسد.

فرهنگ شهرنشینی جهانی با وسعت تمام به سوی مشرق در حال حرکت است. نه تنها جغرافیای جمعیت شهری در حال تغییر و تحول است امروزه محله های فقیرنشین به عنوان زباله دان افرادی معرفی می شود که بوسیله پیشرفت مدرنیته جهانی به صورت اضافه و زائد در آمده اند. تجارت مواد مخدر به طور همزمان هم حالت انزوای جوامع فقیرنشین را حفظ می کند و هم آنها را به بخشی سود آور در اقتصاد غیرقانونی بدل می سازد. مسئله شورهای شهری روی داده در حومه ها نیز گریبانگیر بسیاری از شهرهای دنیا شده است.^۷ دوربین های مدار بسته به بخش جدایی ناپذیر مناظر مسکونی و شهری سراسر جهان تبدیل شده اند و مرز بین حریم خصوصی و عمومی در حال کمرنگ شدن است.^۸ نشان داده شده که استفاده مناسب از این دوربینها می تواند به عنوان وسیله ای هزینه-اثربخش باعث کاهش میزان جرم و جنایت شده و از سوی دیگر باعث انتقال جرم از محلی به محل دیگر نمی شود.^۹ رشد

گسترده صنعت امنیت خصوصی اتفاق افتاده است و می افتد. نه تنها وظایف پلیس، بلکه راه اندازی و نگه داری زندانها و سایر خدمات دادرسی جنایی به بخش خصوصی واگذار می شود.^{۱۱}

۳) تحرک جهانی (مهاجرت)

بعد از جنگ جهانی دوم، سمت و سوی مهاجرت عمدتاً از کشورهای به اصطلاح جنوب به سوی کشورهای صنعتی شمال بوده است.^{۱۱} با این حال قسمت اعظم فرآیندهای مهاجرتی داخلی است، که به شهری شدن می انجامد.^{۱۲} همراه با رشد جریان مهاجرت، کشورهای توسعه یافته محدودیت های بیشتری را برای مهاجران قائل شده اند در نتیجه، میزان مهاجرت های غیر قانونی نیز افزایش یافته است و مهاجران حتی زندگیشان را در این راه به خطر می اندازند.



همچنین باید به این نکته توجه کنیم که بیشتر مهاجرت ها از طریق شبکه های شخصی خانوادگی، دوستان و آشنایان صورت می گیرد تا از طریق شبکه های جنایی سازمان یافته. مهاجران علاوه بر آنکه از فرهنگ کشور میزبان تاثیر می پذیرند، فرهنگ سرزمین مادری خود را نیز به همراه خود به کشور میزبان می آورند که در فرهنگ و حتی زبان گفتگوی این کشورها تاثیر می گذارد. بالا بودن میزان ارتکاب جرم و جنایت در میان مهاجران و دستگیری و زندانی بودن تعداد زیادی از مهاجران از دیگر مشکلاتی است که مهاجرین برای کشور میزبان ایجاد می کنند.

رقابت بین مهاجران با شهروندان بومی کشورهای شمال برای بدست آوردن شغل و امکانات رفاهی و ... منجر به بیکاری و محروم شدن عده ای شهروندان بومی این کشورها می گردد که به نوبه خود موجب ایجاد موجی از ناراضیاتی از مهاجران در این کشورها شده است و بحث ها و حرکت های خصمانه علیه مهاجران غیر اروپایی و مسلمان در بسیاری از کشورهای غربی در حال افزایش است.^{۱۳} نسل های دوم و سوم مهاجران با مسائلی از قبیل تضاد فرهنگی روبه رو هستند. فرزندان مهاجران، جهان را با استانداردهای غربی می بینند و از به حاشیه راندن خود آگاه می شوند.^{۱۴}

۴) قاچاق انسان

قاچاق انسان بر طبق پروتکل پالمو چنین تعریف می شود: استخدام، حمل و نقل، انتقال یا پناه دادن یا تحویل گرفتن افراد با استفاده از تهدید یا اجبار، آدم ربایی، فریب، تقلب سوء استفاده از قدرت یا وضعیت آسیب پذیری.^{۱۵}

تکبیر به مهاجرت اقتصادی، یکی از جنبه های اقتصادهای صنعتی است. در سراسر دنیا، تقاضای زیادی برای نیروی کار مهاجران (به ویژه در اقتصاد زیر زمینی) وجود دارد.^{۱۶} این امر که با افزایش محدودیت های تحمیل شده از سوی دولت بر مهاجران همراه بوده است، شرایط مستعدی را برای رشد قاچاق انسان فراهم نموده است.^{۱۷} سازمان ملل برآورد کرده است که میزان قاچاق انسان از میزان معامله مواد مخدر فراتر رفته است.^{۱۸} قاچاق انسان باید از معامله انسان متمایز گردد که در آن مهاجران با رضایت کامل وارد یک معامله شده و در پایان آزادانه آنرا ترک می کنند. مسئله دیگر پیوند اعضای غیر قانونی و قاچاق اعضای بدن است که از آن به عنوان توریسم پیوند اعضا نیز یاد می شود. بر اساس سازمان جهانی بهداشت قیمت هر کلیه در بازار سیاه به طور متوسط حدود ۵۰۰۰ دلار می باشد.^{۱۹} بر اساس گزارش Integrity Financial Global قاچاق اعضای بدن سالانه بین ۸۰۰ میلیون تا ۱/۲ میلیارد دلار سود نصیب قاچاقچیان می سازد.^{۲۰} گسترش قاچاق اعضا، اختلافات بین کشورهای فقیر و ثروتمند را تشدید کرده است.^{۲۱}

۵) زنان و مهاجرت

از دهه ۱۹۶۰ فمینیستی شدن مهاجرت انجام شده و امروزه تقریباً نیمی از مهاجران دنیا را زنان تشکیل می دهند. این امر نگرانی هایی را به وجود آورده زیرا زنان مهاجر در کشورهای شمال کارهایی را انجام می دهند که زنان کشورهای مرفه یا قادر به انجامش نیستند و یا تمایلی به انجام آن ندارند. (مانند دایه، خدمتکار، کارگر جنسی، مراقبت از افراد مسن و ...). بنابراین نه تنها خانواده افراد بلکه جوامع و دولتها نیز به طور فزاینده ای به زنان کشورهای جهان سوم به عنوان نان آوران اصلی وابسته هستند.^{۲۲}

از سوی دیگر زنان مهاجر به زندگی در انزوا تمایل دارند و از نگاه عامه پنهان می شوند و بنابراین در برابر استثمار آسیب پذیرتر هستند. با توجه به وابستگی اجتماعی و اقتصادی زنان به کارفرمایان خود، آنها در معرض خطرات بزرگتری نظیر خشونت، سوء استفاده جنسی و استثمار اقتصادی قرار دارند.^{۲۳}

۶) تجارت جهانی روابط جنسی

جریان های رو به رشد توریستی همراه با فروپاشی کمونیسم و ظهور سیاستهای نئولیبرالیسم، همچنین تغییرات فرهنگی و اینترنت تاثیر عمیقی بر رشد روابط جنسی تجاری در جهان گذاشته است.^{۲۴، ۲۳} یکی از جنبه های نگران کننده تجارت جنسی جهانی، وضعیت کودکان است که آنها را در معرض سوء استفاده جنسی بیشتری قرار داده است. همچنین تهدید گستره ایدز و سایر بیماریها نیز وجود دارد.^{۲۵}

۷) توریسم

توریسم به طور فزاینده ای در حال شکل دادن چشم اندازهای معاصر است که باعث رونق اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی جدید می گردد^{۲۶} اما از سوی دیگر توریسم نیز همانند مهاجرت باعث تغییرات فرهنگی و اجتماعی بسیاری در کشور میزبان می شود. مکان های توریستی به عنوان یکی از اهداف حملات تروریستی شناخته می شوند کنترل امنیت در این مکان ها نیز اهمیت زیاد دارد.^{۲۷}

۸) جرائم بین المللی

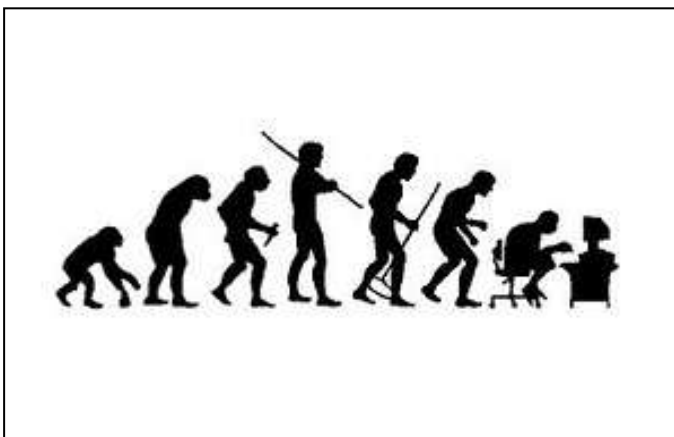
تروریسم، تجارت مواد مخدر، جرم و جنایت سازمان یافته بین المللی^{۲۸}

۹) اینترنت

فردی و خصوصی شدن را شاید بتوان مهم ترین تغییر اینترنت در الگوهای روابط اجتماعی دانست که نتیجه آن برخورداری از آزادی و حق انتخاب



بیشتر برای افراد خواهد بود. منظور مالکیت شخصی ابزارهای سرگرمی از قبیل دسترسی به تلویزیون های ماهواره ای، دی وی دی، اینترنت، کنسول های بازی و نیز تلفن های همراه است که تجربه فراغت را از میدان های گروهی و جمعی به میدان های خصوصی منتقل کرده است. اگرچه روند فوق، توزیع یکسانی در میان گروه های اجتماعی و اجتماعات مکانی نداشته است و دسترسی به امکانات یادشده یکسان نیست، اما سرعت رشد این تکنولوژی ها و سرمایه گذاری های انجام شده بر روی آنها روند شبانه ای را در مسیر دیجیتالی شدن، مجازی شدن و رسانه محور شدن فراغت جامعه ایران، به ویژه در یک دهه گذشته ایجاد کرده است.^{۲۸} با توجه به مرز زدایی و سنت زدایی و جهانی شدن، عدم اطمینان و ناامنی، ضرورت پیدا کردن راههای جدیدی برای احساس تعلق، خود را به



رخ می کشد. اینترنت اکنون تنها امید بازسازی اجتماعات جدید است. تعداد اجتماعات مجازی با استفاده از اینترنت اکنون از اجتماعات واقعی بیشتر شده است.^{۲۹}

روابط بین فردی در حال ظهور است که شاید بتوان گفت به نوعی جایگزین روابط سنتی می شود. برای مثال ممکن است دوست صمیمی من فردی در برزیل، فرانسه یا جهان عرب باشد. در واقع به کمک فن آوری مناسبات انسانی هم به صورت کمی و هم به صورت کیفی افزایش می یابد و اگر انسان امروز از چیزی رنج می برد، تراکم مناسبات است نه کاهش ارتباطات اجتماعی.^{۳۰} از اهمیت محله و اجتماع محلی به عنوان کانونی برای تجمع، سرگرمی و اجتماعی شدن فراغتی کاسته شده است و با باشگاه های خصوصی و سرگرمی های رسانه ای خانه محور جایگزین شده اند.

دسته دوم (روند های آینده تغییرات منابع

در گذر زمان از ادوار گذشته تاکنون عوامل متعددی در تحولات زندگی بشری در این کره خاکی نقش داشته است که اگر بخواهیم تنها به سه عنصر اصلی آن اشاره کنیم، انسان، انرژی و محیط زیست به طور حتم در رتبه های نخستین جای خواهند گرفت.^{۳۱}

یکی از مسائل مهم در جهان آینده، تقاضای روز افزونی است که نیازهای انسان بر منابع و خدمات طبیعی و ذخیره ژنی (منظور تنوع ژنی که بوسیله موجودات زنده به این سو و آن سو منتقل می شود) سیاره ما تحمیل می کند. ذخایر طبیعی شامل منابع محدود نظیر هیدروکربن ها، کانی ها، آب های زیرزمینی فسیلی و منابع تجدید شونده مانند رودخانه ها، زمین های قابل کشت وحیات وحش و جنگل است. خدمات طبیعی شامل اعمال و فعالیت های ضروری حیات مانند فتوسنتز، جذب گازکربنیک توسط اقیانوس ها و حشرات برای گرده افشانی است. ذخایر ژنی دقیقاً به تنوع و وجود ژنها مربوط می شود که به وسیله آن همه موجودات زنده هنوز در کره زمین وجود دارند از ویروس و باکتری گرفته تا گیاهان و حیوانات را شامل می شود.^{۳۲}

طی یکصد سال آینده، یک سوم زمین های کشاورزی کره زمین تخریب خواهد شد؛ در حالیکه تقاضا برای مواد غذایی افزایش خواهد یافت، بنابراین جهان با مشکلات و مسائل مهمی چون احیای این زمین ها، نگهداری و مدیریت آنها روبه روست است. از آنجا که بهره برداری از منابع طبیعی بر اساس اصول توسعه پایدار انجام نمی شود و این مسأله دارای دو بعد ملی و جهانی است، در نتیجه آثار آن هم ابتدا ملی و سپس جهانی خواهد بود. انطباق نداشتن فن آوری های موجود با شرایط توسعه پایدار کاملاً آشکار است. علاوه بر آن، حاکمیت منطق کسب ثروت و ثروت اندوزی، سبب پدید آمدن رویکردی سودجویانه در جهان شده است. براساس این رویکرد، تلاش برای اندوختن ثروت بیشتر، اساس تولید و فروش افزون تر را سبب می شود.^{۳۳}

منابع تأمین انرژی در جهان، محدودیت ها و فرصت ها:

گزارشات آژانس بین المللی انرژی مربوط به سال ۲۰۰۹ میلادی منابع اصلی تولید انرژی در دنیای امروز، به شش دسته طبقه بندی می شوند: **ذغال سنگ، نفت، گاز، انرژی هسته ای، انرژی آبی و انرژی های تجدیدپذیر**. طی سی سال گذشته سهم منابع فسیلی شامل **ذغال سنگ، نفت و گاز** در تأمین انرژی جهان با شیب ملایمی رو به کاهش گذاشته است. طی ۳۴ سال گذشته میزان مصرف انرژی در جهان نزدیک به دو برابر شده است که این خود به نوعی اشاره به رشد تصاعدی استخراج، تولید و مصرف منابع فسیلی طی این مدت دارد.

امروزه با توسعه علم انسان و پیشرفت فن آوری و افزایش جمعیت از مقدار منابع کم میشود، این در حالی است که برخی از این منابع تجدید ناپذیر نیز هستند. منابع طبیعی بخش حیاتی زندگی میلیون ها خانوار در دیاست و زمانی که این منابع دچار مشکل شوند، تأمین امنیت آنها هم مشکل می شود.^{۳۳}

لازم به توضیح است که مطابق گزارش سالانه شرکت بریتیش پترولیوم **روند مصرف انرژی در کشورهای پیشرفته نظیر کشورهای واقع در امریکای شمالی و اروپا طی سال های گذشته رشد قابل ملاحظه ای نداشته، هرچند که در کشورهای در حال توسعه، رشد چشمگیری در تقاضای مصرف انرژی مشاهده می گردد و این تمایل شدید به مصرف انرژی در این کشورها با روندی به مراتب سریع تر از رشد جمعیت در حال پیگیری است.**^{۳۴}

فناوری های موجود، برای دستیابی به منبعی از انرژی که بتوان با کمترین زیان از آن بهره برد به کار گرفته می شوند. هیدروژن، گاز طبیعی، آب، زیست توده (Biomass)، نیروی برق، نیروی خورشید، اتانول سلولزی، انرژی هسته ای، باد و گاز طبیعی و نفت، زغال سنگ منابعی از انرژی هستند که برخی امید آن می رود که بتوان از آن در سالهای آتی بهره برد و برخی مانند زغال سنگ که امیدواریم بتوان برای آن جایگزینی پیدا کرد که دیگر به هیچ وجه نیازی به آن نباشد.



طی چند دهه ی اخیر، آب به عنوان مهم ترین مسأله در برخی از کشورهای جهان مطرح بوده است. طی نیمه نخست قرن گذشته، **۴۵۰ مورد درگیری با محوریت آب ثبت شده و در ۳۷ مورد از کشورهای درگیر تا آستانه جنگ تمام عیار پیش رفته اند.** در هشتاد کشور جهان که نزدیک به سه میلیارد نفر جمعیت دارند، کمبود آب یک مشکل زیست محیطی فوق العاده به شمار می رود.^۶ در جنوب و جنوب غرب آسیا مسأله کمبود آب بیشتر از کمبود زمین مناسب، موجب توقف طرح های توسعه کشاورزی شده است. آسیا که ۶۰ درصد جمعیت جهان را در خود دارد، تنها حدود ۳۶ درصد آب شیرین تجدید شونده را در اختیار دارد.^۶

کمبود آب و کاهش تدریجی منابع موجود سبب بیابان زایی می شود. **بیابان زایی یک مشکل بین المللی است،** اگرچه در داخل مرزهای ملی روی می دهد. بیابان زایی شرایط مطلوب زندگی را از بین می برد و **درنهایت به ناپایداری**

سیاسی منجر خواهد شد. بیابان زایی ضمن فراهم کردن شرایط قحطی و در نتیجه مهاجرت داخلی و حتی خارجی، بی ثباتی سیاسی را هم در پی دارد.^۱ تا سال ۲۰۵۰ بسیاری از مناطق مرطوب جهان مرطوب تر و مناطق خشک خشک تر خواهند شد. بارندگی در اطراف خط استوا بیشتر می شود اما در مناطق مدیترانه ای، خاورمیانه، بخش جنوب غربی امریکای شمالی و دیگر نواحی خشک کاهش خواهد یافت. سطح آب رودخانه ها در برخی نقاط بالا رفته و در نقاط دیگر پائین خواهد بود. طبق یکی از برآوردهای معتبر باید تا سال ۲۰۵۰ خود را برای افزایش ۱۰ تا ۴۰ درصدی هرزآب های افریقای شرقی، امریکای جنوبی و امریکای شمالی آماده کنیم. بر اساس همین پیش بینی در حجم هرزآب ها در بخش های جنوبی آفریقا، جنوب اروپا، خاورمیانه و بخش غربی امریکای شمالی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد کاهش خواهد یافت.^۶

در اینجا قابل ذکر است که **جمعیت جهان تا ۴۰ سال آینده تا ۵۰ درصد رشد خواهد کرد** که تقریباً همه آن در کشورهای در حال توسعه، و بیشتر در مناطقی که امروز با مشکل کم آبی روبرو هستند به وقوع خواهد پیوست. برای تأمین این تقاضای پیش بینی شده **برای تغذیه چاره آنست که**

تا سال ۲۰۵۰ میزان تولید محصولات کشاورزی خود را دو برابر کنیم.^۶

در سال ۲۰۵۰ افزایش تقاضا برای آب، مصرف بیش از اندازه آب و یا آلوده شدن منابع آب، تأخیر برای جبران منابع آب، نقصان ذخیره رایگان برف و یخ، سیل ها و خشکسالی های شدیدتر که پیش بینی کردن آنها و انجام دادن اقدامات مقتضی برای مقابله با آنها دشوارتر شده است، پیوند رقابتی آب و انرژی و توسعه شدید و احداث شهرهای بندری در سواحل و کرانه هایی که ضریب خطر پذیری در آنها افزایش می یابد؛ همه از چهار نیروی جهانی جمعیت، تقاضا برای منابع طبیعی، جهانی شدن و تغییر اقلیم ناشی می شوند. بر اساس الگوی واترگپ^a که به طور نمونه وار وضعیت کم آب جمعیت های انسانی را نشان داده است، مناطقی که با بیشترین تنش آب روبرو هستند همان هایی هستند که اکنون نیز با فشار کمبود آب مواجهند ولی در آن زمان شرایط بدتر خواهد شد. بر اساس این مدل و نیز سایر مدل ها می توان دریافت که **در ۲۰۵۰ کشورهای حاشیه مدیترانه، بخش جنوب غربی امریکای شمالی، شمال و جنوب آفریقا، خاورمیانه، آسیای مرکزی و هندوستان، شمال چین، استرالیا، شیلی و شرق برزیل با شرایط و معضلات بسیار سخت تری نسبت به حال حاضر روبرو خواهند شد.**^۶

نفت خام مطابق گزارش سالانه شرکت بریتیش پترولیوم حجم ذخایر قابل، استحصال و مرسوم نفت در جهان، حدود ۱۲۵۸ میلیارد بشکه برآورد می گردد و هفت کشور اول دنیا که در مجموع بیش از ۷۱ درصد ذخایر دنیا را در خود جای داده اند، به ترتیب عبارت اند از: **عربستان ۲۱ درصد، ایران ۱۰/۹ درصد، عراق ۹/۱ درصد، کویت ۸/۱ درصد، ونزوئلا ۷/۹ درصد، امارات متحده عرب ۷/۸ درصد و روسیه ۶/۳ درصد.** با مطالعه روند فزاینده مصرف نفت طی سال های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۷ و فرض ثابت ماندن این روند به صورت خطی در سال های آتی و همچنین با توجه به متوسط مصرف

^a Water gap

۸۴/۸ نفت در جهان در سال ۲۰۰۷، معادل میلیون بشکه در روز، کل ذخایر قابل استحصال و مرسوم نفت طی ۳۳ سال آینده پایان خواهد پذیرفت.^{۳۴}

لازم به ذکر است که منابع دیگری از نفت خام در جهان وجود دارد که تحت عنوان منابع غیر مرسوم مشهور بوده و شامل نفت های سنگین و فوق سنگین و همچنین منابع نفت شن و قیر شن می باشند. این ذخایر به دلیل هزینه بالای استحصال، قیمت های کنونی نفت، تکنولوژی های امروزی و سهل الوصول بودن منابع مرسوم، تاکنون سرمایه گذاری چندان نا به سوی خود جذب نکرده اند. برخی تحقیقات، حجم این بخش از منابع نفتی در جهان را حدود سه برابر حجم منابع مرسوم برآورد کرده اند.^{۳۵}

گاز طبیعی مطابق گزارش سالانه شرکت بریتیش پترولیم حجم ذخایر قابل استحصال گاز طبیعی در جهان، حدود ۱۸۵ تریلیون متر مکعب برآورد می گردد و شش کشور اول دنیا در بخش ذخایر گاز که در مجموع حدود ۶۵ درصد ذخایر دنیا را در خود جای داده اند، به ترتیب عبارت اند از روسیه ۲۳/۴ درصد، ایران ۱۶ درصد، قطر ۱۳/۸ درصد، ترکمنستان ۴/۳ درصد، عربستان ۴/۱ درصد و امارات متحده عربی ۳/۵ درصد. با مطالعه روند فزاینده مصرف گاز طبیعی طی سال های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۷ و فرض ثابت ماندن این روند به صورت خطی در سال های آتی و همچنین با توجه به متوسط مصرف گاز طبیعی در جهان در سال ۲۰۰۷، معادل ۸ میلیارد متر مکعب در روز، کل ذخایر قابل استحصال و مرسوم گاز طی ۴۴ سال آینده پایان خواهد پذیرفت.^{۳۴}

ذغال سنگ مطابق گزارش سالانه شرکت بریتیش پترولیم، حجم ذخایر قابل استحصال ذغال سنگ در جهان، حدود ۸۲۶ میلیارد تن برآورد می گردد و پنج کشور اول دنیا در بخش ذخایر ذغال سنگ که بیش از ۷۸ درصد ذخایر دنیا را در خود جای داده اند به ترتیب عبارت اند از آمریکا ۲۸/۹ درصد، روسیه ۱۹ درصد، چین ۱۳/۹ درصد، استرالیا ۹/۲ درصد و هند ۷/۱ درصد. با مطالعه روند فزاینده مصرف ذغال سنگ طی سال های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۷ و فرض ثابت ماندن این روند به صورت خطی در سال های آتی و همچنین با توجه به متوسط، مصرف ذغال سنگ در جهان در سال ۲۰۰۷، ۱۷/۸ میلیارد تن در روز، کل ذخایر قابل استحصال و مرسوم ذغال سنگ طی ۷۸ سال آینده پایان خواهد پذیرفت.^{۳۴}

انرژی هسته ای مطابق گزارش آژانس بین المللی انرژی نیروگاه های هسته ای مشغول به کار در جهان در سال ۲۰۰۷ مجموعاً ظرفیت تولید ۳۷۲ هزار مگاوات برق را دارا می باشند. از این میزان نه کشور اول دنیا که نزدیک به ۸۵ درصد نیروگاه های اتمی جهان را در خود جای داده اند به ترتیب عبارتند از آمریکا ۲۸/۵ درصد، فرانسه ۱۷ درصد، ژاپن ۱۳ درصد، روسیه ۶ درصد و به دنبال آنها کشورهای آلمان، کره جنوبی، اوکراین، کانادا و انگلیس. کشور آمریکا با بیشترین تعداد نیروگاه های هسته ای در جهان به ظرفیت ۱۰۶ هزار مگاوات به عنوان کشوری پیشرو و صاحب تکنولوژی در این بخش مطرح می باشد.^۱ کشورهای اروپایی نظیر اتریش، ایتالیا، ایرلند، لهستان، ترکیه، دانمارک، نروژ، پرتغال و کشورهای نظیر استرالیا، مالزی و سنگاپور هم تاکنون در سید تأمین انرژی خود سهمی را برای انرژی هسته ای قائل نشده اند.^۵ مسلماً با توجه به روند رو به کاهش ذخایر فسیلی، در آینده نزدیک کشورهای زیادی تمایل به استفاده از انرژی های غیر فسیلی پیدا خواهند نمود.^۱

مطابق گزارش سازمان اطلاعات انرژی آمریکا سهم انرژی هسته ای در تأمین انرژی آمریکا، حدود ۸/۵ درصد و سهم انرژی های فسیلی ۸۴ درصد در سال ۲۰۰۸ بوده است که نشان می دهد چنانچه این کشور بخواهد تنها ۱۷ درصد از سید تأمین انرژی از طریق منابع فسیلی را با انرژی هسته ای جایگزین نماید، لازم است تا ظرفیت و یا تعداد نیروگاه های اتمی در آمریکا، به سه برابر موجود افزایش یابد که این موضوع خود بیانگر آن است که انرژی هسته ای و حتی سایر انرژی های نو به سختی خواهند توانست در بازه زمانی کوتاه، جایگزین منابع فسیلی شوند. بنابراین **همچنان طی ۲۰ تا ۳۰ سال آینده، منابع**

فسیلی نقش کلیدی را در تأمین انرژی جهان ایفاء خواهند نمود.^{۳۶}

هرچند مطابق تعریف، شرط داشتن توسعه پایدار در تلافی نیازمندی های سه بخش اقتصاد، اجتماع و محیط زیست شکل می گیرد،^{۳۷} اما آنچه مشاهده می شود، آن است که کشورهای در حال توسعه که بخش عمده جمعیت امروز جهان را در خود جای داده اند، بنا به ضرورت رشد اقتصادی و صنعتی و تأمین نیازهای خود در بخش کشاورزی و دامپروری و در نتیجه ایجاد رفاه بیشتر در جامعه، چاره ای جز مصرف بیشتر انرژی را ندارند که این موضوع در این کشورها عموماً با تخریب بیشتر محیط زیست همراه بوده که با سیاست گذاری های مربوط به ممانعت از تداوم افزایش دمای کره زمین در تضاد قرار می گیرد.^۱

از طرفی دیگر نیز میزان مصرف انرژی در کشورهای توسعه یافته و مرفه در مقایسه با جمعیتی که در خود جای داده اند، بسیار بالاست که این موضوع موجب بیشتر شدن شکاف موجود بین فقیر و غنی در جهان می شود. بنابراین علی رغم تلاش های گسترده سازمان های بین المللی به خصوص در ده سال گذشته در رابطه با کاهش فقر و گرسنگی و همچنین جلوگیری از افزایش دمای کره زمین، تاکنون نتایج قابل توجهی در مقایسه با انتظارات و اهداف تعیین شده کسب نکرده است. به بیان دیگر مسیر حرکت زندگی انسان در کره زمین خصوصاً طی پنجاه سال گذشته اتفاقات غیر منتظره ای را در پنجاه سال آینده رقم خواهد زد. علی رغم اینکه رشد علوم و نوآوری ها طی این مدت بسیار سریع و شگرف بوده، اما تاکنون خرد انسانی آن طور که باید، در شکل گیری آینده نقش موثری ایفاء نکرده است و به نوعی با رشدی نامنظم، ناموزون و تک سویه در جهان مواجه بوده ایم. روند رو به رشد مصرف منابع فسیلی، رشد جمعیت، کمبود منابع آب و غذا، عدم توجه به محیط زیست، افزایش روز افزون تعداد گرسنگان در جهان، تعمیق شکاف بین فقیر و غنی، گسترش جنگ ها، تنش ها و منازعات و روند رو به رشد بلایای طبیعی، همه حکایت از آن دارد که در آینده با رویدادهای اجتناب ناپذیری مواجه خواهیم بود که انعکاس رفتار آدمی در گذشته است. بدین ترتیب به عنوان یک اقدام عاجل و مؤثر به منظور کاهش شدت بحران ها در آینده، کاهش روند مصرف سوختهای فسیلی و به تبع آن کاهش روند تولید گازهای گلخانه ای به خصوص گاز دی اکسید کربن مطرح است. چرا که بدین ترتیب با کند شدن روند خشکسالی ها، طوفان ها و سیلاب ها امکان توسعه کشاورزی و دامپروری و گسترش فضای زیست مناسب، متناسب با افزایش جمعیت فراهم خواهد شد و بحران های مربوط به کمبود آب، غذا و محل زندگی، مهارپذیرتر می گردند و از طرفی با تداوم طولانی مدت تر ذخایر مرسوم انرژی های فسیلی، بستر برای توسعه علمی-کاربردی سایر انرژی های پاک به جهت جایگزینی با آن به طور مناسب تری ایجاد خواهد شد. افزایش فاصله طبقاتی و توزیع ناهمگون رفاه و ثروت در بین مردمان جهان از یکسو و محدودیت در دسترسی به منابع انرژی، آب و غذا

در آینده از سوی دیگر، می تواند منشاء بروز اعتراضات گسترده اجتماعی و گسترش خشونت و ناامنی در جهان شده و به یک بحران جدی و تمام عیار تبدیل گردد.^۱

شایسته است اقدامات پیشنهادی زیر توسط تصمیم سازان و سیاستگذاران کلان مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- کاهش روند مصرف انرژی های فسیلی از طریق بهینه سازی الگوی مصرف و همچنین به حداقل رساندن هدر رفت انرژی در بخش های خانگی، تجاری و صنعتی
- ۲- جایگزینی حتی الامکان انرژی های فسیلی با انرژی های پاک و تجدیدپذیر
- ۳- خودداری از سفرهای غیر ضروری (داخل شهری و بین شهری) و بهره گیری از زیرساخت های فناوری اطلاعات جهت ایجاد ارتباطات
- ۴- ضرورت توجه بیش از پیش به توسعه کشاورزی، دامپروری و شیلات
- ۵- مدیریت منابع آب و گسترش زیرساخت ها جهت دسترسی همگانی به آب بهداشتی
- ۶- پیگیری سیاست های کنترل جمعیت با در نظر گرفتن امکانات رفاهی معیشتی و ملاحظات زیست محیطی
- ۷- جلوگیری از تخریب محیط زیست و تلاش جهت توسعه فضاهای سبز
- ۸- توسعه علوم و گسترش کاربرد فناوری های نوین، که جهت دهی مناسب به آنها می تواند در گذار از بحران های آینده بسیار راهگشا باشد
- ۹- تغییر سیاست های حاکمان جهان در راستای کاهش منازعات و تلاش در جهت ایجاد صلح و امنیت پای دار در جهان و کاهش شکاف بین فقیر و غنی
- ۱۰- استفاده بیش از پیش از فناوری اطلاعات جهت آگاهی از وضعیت به روز جهان در بخش های ذخایر انرژی، تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت، آب بهداشتی، کشاورزی، دامپروری و شیلات.^۱

جهانی که در آن زندگی می کنیم، نسبت به گذشته خطرناکتر شده است و با این روند و به دلیل وجود برخی از نیازهای انسانی و زیاده خواهی های و پیشرفت علم و فناوری و تخریب محیط زیست، منابع و نابرابری روزافزون بین فقیر و غنی روبه رو خواهد شد. جنگ بر سر منابع کمیاب نیز، به ویژه در مناطق بحرانی وجود دارد؛ برخی ها از ایجاد جنگ ها برای آب در مناطق خشک می باشد. تمامی مواردی که به عنوان مخاطره مطرح می شود، زمینه اختلال در زندگی انسان که موجودی تنها در این هستی بوده را فراهم کرده است. انسان در این سیاره خاکی و در کیهان تنهاست و هیچ موجود دیگری نمی تواند به آنان در رفع مشکلات عظیمی که بخش زیادی از آن، به دست خود وی ایجاد شده کمک کند.^{۳۳}

دسته سوم) روند تغییرات اقلیمی در آینده

۱) افزایش گازهای گلخانه ای



گازهای گلخانه ای به ترکیبات گازی موجود در جو زمین اطلاق می گردد که به "اثر گلخانه ای" کمک می کنند. هرچند هنوز در خصوص چگونگی تأثیر این گازها بر آب و هوای زمین عدم قطعیت هایی وجود دارد، اما از بررسی اطلاعات ماهواره ای طی چند دهه گذشته این گونه بر می آید که همگام با تولید بیشتر گازهای گلخانه ای در کره زمین طی این مدت، تشعشعاتی که از زمین به فضای خارج از جو فرستاده شده، کاهش یافته و به عبارت دیگر اثر گلخانه ای افزایش پیدا کرده است که حاصل آن به افزایش دمای زمین و تغییرات گسترده آب و هوایی منجر شده است. باید توجه داشت که وجود گازهای گلخانه ای برای حیات بر روی زمین الزامی است، چون بدون این گازها زمین مانند یک یخچال می شد. عمده ترین گازهای گلخانه ای که انسان در تولید و افزایش آن نقش

موثر و جدی دارد، عبارت اند از **دی اکسید کربن، متان، اکسید نیتروژن و گازهای خانواده فلوراید**. مهم ترین و اصلی ترین پیامد افزایش گازهای گلخانه ای، افزایش دمای کره زمین می باشد که این موضوع موجبات تغییرات وسیع در وضعیت اکوسیستم زمین را فراهم آورده است. از جمله این تغییرات ذوب شدن یخ های قطبی و افزایش سطح آب اقیانوس ها و در نتیجه زیر آب رفتن سواحل، افزایش تبخیر منابع آب و در نتیجه **افزایش خشکسالی، افزایش ابتلا و تسری بیماری های واگیردار، افزایش فشار بر صفحات تکتونیک زمین و افزایش وقوع زلزله، افزایش وقوع طوفان و سیل و غیره**، قابل اشاره می باشد که خود اثرات نامطلوبی بر کشاورزی، بهداشت، سلامت، غذا، رفاه، امنیت و اقتصاد در جهان دارد. البته جوامع توسعه یافته جهان به منظور موظف ساختن کشورها به کاهش اثرات گلخانه ای و تبعات منفی گرم شدن زمین، اقداماتی را از ده سال گذشته آغاز نموده اند، هر چند که با نگاهی بر تداوم روند تصاعدی انتشار گازهای گلخانه ای طی این مدت درمی یابیم که **این تلاش ها تاکنون نتایج مؤثری را در بر نداشته است**.^{۳۳}

مطابق ارزیابی های کارگروه بین الدولی بررسی تغییرات اقلیمی وابسته به سازمان ملل، از آلودگی های تولید شده توسط بشر در سال ۲۰۰۴، سهم مربوط به گاز دی اکسید کربن حاصله از مصرف سوخت های فسیلی ۵۶/۵ درصد، گاز متان ۱۴/۳ درصد، اکسید نیتروژن ۷/۹ درصد و همچنین سهم مربوطه به افزایش گاز دی اکسید کربن به دلیل تخریب جنگل ها و فضای سبز ۱۷/۳ درصد برآورد شده است.^{۳۶}

از زمان آغاز انقلاب صنعتی در جهان تاکنون، میزان تولید گاز دی اکسید کربن ناشی از سوزاندن سوخت های فسیلی از میزان نزدیک به صفر، با رشد چشمگیری به ۲۹ گیگاتن در سال ۲۰۰۷ افزایش پیدا نموده است. مدت زمان پایداری و باقی ماندن گاز دی اکسید کربن در جو زمین به مراتب بیشتر از سایر گازهای گلخانه ای می باشد که این موضوع باعث می شود تا تأثیرپذیری تغییرات آب و هوایی در اثر افزایش انتشار گاز دی اکسید کربن در درجه اهمیت بالاتری نسبت به سایر گازهای گلخانه ای قرار گیرد.^{۳۸}

۲) افزایش دمای کره زمین

روند تغییرات اقلیمی آینده حاکی از گرم شدن روز به روز کره زمین است. از اوایل قرن بیستم تا کنون دمای کره زمین ۰/۸ درجه سانتی گراد گرم تر شده است، اما این افزایش سال به سال بیشتر خواهد شد. افزایش دما نه



تنها میانگین را بالا می برد بلکه دما در طول شب بیشتر از روز، در زمستان بیشتر از تابستان، در اقیانوس بیشتر از خشکی و در عرض های جغرافیایی بیشتر از مناطق قاره ای افزایش می یابد. در حال حاضر سطوح در حال اشباع شدن گاز CO₂ که اکنون به وضعیت پانزده میلیون سال قبل تاریخ زمین، نزدیک می شود زمان که دمای کره زمین ۳ تا ۶ درجه سانتی گراد گرم تر بود و آب اقیانوس ها اسیدی، از کلاهک های یخی در دو قطب خبری نبود و سطح آب دریاها ۲۵ الی ۴۰ متر بالاتر از حد امروز خود بودند.^۶

مطابق آخرین مطالعات انجام شده توسط کارگروه بین الدولی بررسی تغییرات اقلیمی وابسته به سازمان ملل، دمای متوسط زمین طی صد سال گذشته در حدود ۰/۷۴ درجه سانتیگراد افزایش یافته و در همین مدت سطح آب دریاها حدود ۱۸/۵ سانتیمتر بیشتر شده است.^{۳۳} ارزیابی های دانشگاه آکسفورد برگرفته از محاسبات شبیه سازی حدود دوهزار پانصد رایانه، افزایش دمای متوسط زمین طی صد سال آینده را حداقل ۱/۹ درجه و حداکثر ۱۱/۵ درجه سانتیگراد، پیش بینی نموده است.^{۳۴}

تغییرات اقلیمی به همراه نابودی جنگلها و بالا آمدن آب اقیانوس ها از سوی دیگر باعث افزایش وقوع سیل و طغیان رودها می شود که علاوه بر سلامت جسمی و بر روی سلامت روانی و اجتماعی انسانها نیز تاثیر گذار خواهد بود.^{۳۳، ۳۴}

۳) انقراض گونه ها

هر روند تغییر اقلیم چه طبیعی و چه محصول دست بشر، به طور نامنظم در طول زمان آشکار می شود. بر اساس مدارک و نشانه های متعدد در سراسر جهان پدیده تغییر اقلیم ها بنیان عظیم اکولوژیکی سیاره را به صورت انقراض گونه ها و همبندطور توسعه های سرسام آوری، که در ابعاد گوناگون هم اکنون در جریان است تحت فشار قرار می دهد. یکی از مدل ها پیش بینی می کند که تا سال ۲۰۵۰ بین ۱۵ تا ۳۷ درصد کل انواع موجودات در جهان به واسطه تأثیرات تغییر اقلیم انقراض خواهند یافت. بدین ترتیب فاجعه ای در راه است؛ حجم و گستره این فاجعه پیش رو، وقتی که با کل انقراضات گونه های جاندار از زمان آخرین عصر یخبندان جمع شود، ششمین انقراض و نابودی عظیم جمعی روی کره زمین را در مجموع شکل خواهد داد. یک احتمال بسیار ملموس وجود دارد که در سال ۲۰۵۰ و شاید هم زودتر، لایه یخ اقیانوس منجمد شمالی در ماههای سپتامبر و نزدیک شدن تابستان نیمکره شمالی به طور موقت آب شود. البته لایه یخ مثل همیشه دوباره در زمستان (مانند دریاچه های پنج گانه امروزی) باز خواهد گشت، اما این پدیده جدید، تغییر شکلی بنیادین خواهد بود که باعث افزایش دامنه نفوذ و پیشروی فصلی کشتی رانی و دیگر فعالیت های دریایی در منطقه میگرد.^۱ تغییرات اقلیمی چالش های جدیدی در کنترل بیماری های عفونی با خود می آورند. با افزایش دما، وبا و بیماری های اسهالی مانند مالاریا و تب دانگ و عفونت های دیگری که با ناقل ها می آیند و همچنین مسمومیت غذایی شیوع بیشتری پیدا می کنند.^{۳۳ و ۳۴}

علاوه بر آن بررسی ها نشان داده که این تغییرات اقلیمی اثراتی سوء بر کارکرد های فیزیولوژیک بدن و سیستم قلبی عروقی و کلیه می گذارند که باعث افزایش ریسک ابتلا به بیماری های مزمن و غیر واگیر می شود.^{۳۵} در مجموع تغییرات اقلیمی تهدیدکنندگان آرام و مداوم و پیشرونده ای هستند کل سلامت جهانی را از هم اکنون تهدید می کنند.

اثر تغییرات جوی آینده بر سلامت انسان مانند یک شمشیر دو لبه است و جدا از اثرات سوء، این تغییرات در کنار مضرات می تواند اثرات سودمندی نیز بر روی سلامتی انسانها داشته باشد. برای مثال افزایش دمای زمین از یک سو باعث افزایش مرگ و میر در روزهای گرم سال و از سوی دیگر باعث کاهش مرگ و میر به دلیل سرما زدگی در زمستان می شود.^{۳۶، ۳۷، ۳۸} همچنین تغییرات اقلیمی باعث افزایش مدت زمان سالانه وجود الژن های گیاهی در برخی از نقاط جهان و کاهش فصول وجود این الژن ها در برخی نقاط دیگر می شود.^{۳۹} تولید محصولات کشاورزی در برخی از نقاط معتدل و گرمسیر کاهش یافته و از سوی دیگر تولید این محصولات ممکن است در مناطق سردسیر جهان افزایش یابد.^{۵۰} اثرات تغییرات آینده در آب و هوا علاوه بر سلامت جسمی بر روی سلامت اجتماعی نیز تاثیر گذار است. اثرات اجتماعی تغییرات اقلیمی به طور ویژه در جوامعی که وابسته بیشتری به منابع دارند احساس می شود. با توجه به این که جهان به طور فزاینده ای با خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی و محدودیت های مختلف به وجود آمده توسط آن مواجه است، نیازمند فوری به استراتژی های انطباقی می باشد. یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار در موفقیت این گونه استرژئی ها وجود همبستگی و سرمایه اجتماعی می باشد.^{۵۱}

حتی با خوشبینانه ترین سناریوها درخصوص کاهش سهم تولید انرژی از طریق سوختهای فسیلی، در یکصد سال آینده اثرات و تبعات منفی ناشی از تولید گازهای گلخانه ای به مراتب شدیدتر از صد سال گذشته خواهد بود. از جمله پیامدهای ناگوار این فرایند که در گزارشات کارگروه بین الدولی بررسی تغییرات اقلیمی سازمان ملل، مطرح شده است، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. در اواسط قرن ۲۱ تغییرات جدی آب و هوایی را در مناطق مختلف جهان شاهد خواهیم بود به طوری که مناطق بارانی، شاهد بارش های شدیدتر و سیلاب های ویرانگر و مناطق خشک شاهد خشکسالی های سخت تری خواهند بود.
۲. در قرن حاضر حدود یک ششم جمعیت جهان با مشکل دسترسی به آب آشامیدنی مواجه خواهند شد و ۳۰ درصد حیوانات و گیاهان با خطر انقراض ناشی از خشکسالی و افزایش دما مواجه خواهند شد.
۳. به دلیل گسترش خشکسالی با کاهش تولیدات محصولات کشاورزی، به خصوص در نواحی استوایی، مواجه خواهیم بود و تأمین غذا به چالش جدی در این نواحی تبدیل خواهد شد.
۴. با افزایش سطح آب دریاها و اقیانوس ها، نواحی زیادی در بخش های ساحلی و همچنین کشورهای کم ارتفاع در حاشیه اقیانوس ها نظیر برخی کشورهای واقع در آسیای جنوب شرقی با خطر آب گرفتگی مواجه خواهند شد که این موضوع باعث می گردد تا ادامه زندگی انسان های ساکن در این مناطق به طور جدی تهدید گردد تولیدات محصولات کشاورزی، به خصوص در نواحی استوایی، مواجه خواهیم بود و تأمین غذا به چالش جدی در این نواحی تبدیل خواهد شد که موجب مهاجرت های اجباری جمعیت ها می شود.^۶

آنچه که از مطالعات فوق بر می آید آنکه مطابق روالی که انسان در تعامل با طبیعت پیش گرفته است، در آینده نه چندان دور درحالی که سطح آب اقیانوس ها بالاتر می آید، وقوع بلایای طبیعی تکرر و شدت بیشتر می یابد و از سوی دیگر خشکسالی و شدت گرما نیز بیشتر می شود، مردم در مناطق مختلف جهان وادار خواهند شد تا زمین های غیر قابل زیست را ترک و به نقاط دیگر مهاجرت کنند و در این میان این فقیران هستند که بیش از هر گروه دیگر ادامه معیشت خود را با خطر مواجه می بینند.^{۳۳}

دسته چهارم) جهانی شدن

مفهوم و چارچوب مفهومی^{۵۲}



جهانی شدن واژه‌ای با معانی چندگانه و چالش برانگیز می‌باشد. عموماً جهانی شدن طریقی را که ملت‌ها، کسب و کارها و مردم با استفاده از آنها، به هم مرتبط‌تر و وابسته‌تر می‌شوند، گفته می‌شود. این راه‌ها شامل ادغام اقتصادی، ارتباطات، درهم کنش فرهنگی و مسافرت می‌شود.

فرایند ادغام فزاینده اقتصادی از طریق انتقال کالا، خدمات، سرمایه، فناوری و (در حدودی کمتر) نیروی کار که منجر به تحت تاثیر قرار گرفتن تصمیمات اقتصادی از شرایط جهانی می‌شود و یا به زبانی دیگر منجر به شکل‌گیری بازار جهانی می‌گردد.^{۵۳} این به معنی نادیده

گرفتن ابعاد اجتماعی و فرهنگی جهانی‌سازی مثل افزایش سرعت انتشار اطلاعات درمان‌ها و فناوری‌های نوین و استراتژی‌های جدید ارتقای سلامت، فرصت برای افزایش مشارکت سیاسی و روابط اجتماعی از طریق وسایل جدید ارتباط الکترونیک نیست. ولی نیروی اصلی در این پدیده، به خصوص در دو دهه قبل، نیروهای فزاینده اقتصادی می‌باشد. همچنین با توجه به مطالعه تاریخی پلانی، بازارها پدیده‌هایی نیستند که به خودی خود و با قوانین طبیعت، شکل گرفته باشند، این تشکیل و پایداری زیرساخت‌های پیچیده نهادها و قوانین بود که بازارها را شکل داد. اندیشیدن به بازارها به عنوان پدیده‌هایی با منطق خود بسیار خطرناک بوده و همیشه باید به عنوان ماحصل درهم‌کنش روابط سیاسی و اقتصادی دیده شوند.

در این مدل چهار سازوکار اصلی که از طریق آنها جهانی شدن روی سلامت تاثیر می‌گذارند عبارتند از: قشر بندی^a اجتماعی، تفاوت در در معرض قرار گرفتن^b تفاوت در حساسیت و قابلیت^c و تفاوت در پیامدها^d نقش دولت – ملت مدرن تحت تاثیر تحولات جهانی شدن به طور اساسی تغییر پیدا می‌کند که برخی از آن به عنوان افول دولت تعبیر می‌کنند. افزایش قدرت شرکت‌های بزرگ جهانی و نهاد های پولی بین المللی باعث کاهش تصدی‌گری دولت شده است.

نابرابری جهانی ویژگی فراگیر نظم معاصر جهانی است، نظمی که با جهانی شدن رسانه و فرهنگ مصرف برجسته می‌شود. افراد فقیر جهانی با تصاویری از سبک‌های برتر زندگی به طور فزاینده‌ای بمباران می‌شوند. دو نیروی بنیادی که به سرعت باعث تحول و پیشرفت دنیا می‌شوند، عبارتند از:^{۵۴}

۱. اینترنت (Wikipedia, Google, Amazon, Google)

۲. مدیریت (چین، هند) بهینه و گسترش علم و در افریقا ترکیبی از جهل و سوء مدیریت

تغییرات اروپا

۱. سیستم اداره حکومت (مدل حکومت جمعی) تلاش برای تدوین قانون اساسی مشترک

۲. واحد پولی مشترک، یورو

۳. اعتقادات و ارزش‌ها، سنت : ۱۴٪ از مردم اروپا آخرفهفته در عبادت گاه حضور دارند ولی در امریکا ۷۰٪. اروپا از تغییر استقبال نمی‌کند و می‌خواهد از گذشته و حال خود محافظت کند، امریکا به سمت آینده می‌تازد. انگلیس از نظر اقتصادی مثل اروپاست ولی از نظر سیاسی دوست دارد با امریکا هم پیمان بماند، مردمش دوست ندارد ولی گاه حزب کارگر به آن سو متمایل است.

وقایع مهم آینده ژئوپلیتیک جهان

۱. نیاز کشورهایی مثل روسیه و امریکای شمالی به پذیرش مهاجر زیاد می‌شود، نیروی کارشان کم شده، مسلمانان را نمی‌خواهند، روسیه به چین پناه برده و امریکا به امریکای لاتین چشم امید دارد. آنها را دوست ندارند ولی در عین حال به آنها نیازمندند. امریکای لاتین داره اتحاد ضد امریکایی تشکیل می‌دهد، بیشتر به سمت سوسیالیست متمایل شده‌اند.

۲. در خاورمیانه تکلیف جنگ در عراق و افغانستان هنوز مشخص نیست، ایران و کره شمالی غیرقابل پیش‌بینی‌اند بارها و بارها در طول این سال-ها به مسلمانان اهانت شده، از غرب کینه به دل گرفته‌اند دچار عصبانیت غیرقابل کنترل هستند. نوع ارتباط فقط منوط به یا پیشینه و تاریخ آن کشور نیست بلکه به مطلوب بودن عملکرد دولت‌ها نیز بستگی دارد.

۳. اقتصاد و سرمایه : همانند آغاز دهه ۷۰، دو شوک نفتی، تورم، بیکاری امکان وقع رکود وجود دارد به دلیل کمبود بودجه شدید، سیر صعودی قیمت نفت و نیاز به استقراض از بانک‌های بین‌المللی و در هم پاشی اقتصاد امریکا، صنایع مادر ورشکسته شده اند

۴. دین و سیاست : سیاست ایدئولوژیک، خدای من خدای حقیقی است یا خدای تو؟ جنگی قبیله‌ای و جنگ دینی؟ جنگ‌های داخلی در افریقا، رشد جمعیت عربستان و پایین آمدن درآمد سرانه هر نفر و تحمل نکردن عرب‌ها و دردسر سازی

۵. انرژی : سیاست امریکا مبنی بر افزایش تقاضا و کاهش تولید. نیاز روز افزون به نفت، کمبود گاز طبیعی –حواله ریسک تولید به امریکای جنوبی، استفاده از زغال سنگ و برق آریزونا، تمایل زیاد به انرژی هسته‌ای، تمایل به استفاده از انرژی‌های پاک

^a stratification

^b Differential exposure

^c Differential susceptibility

^d Differential consequences

۶. **تغییر سیاست‌های حمایتی خصوصا در مورد بازنشستگی** (بالا رفتن سن بازنشستگی و بعد داشتن نیروی کار به مدت طولانی تر، حل بحران تامین اجتماعی، افزایش طول عمر، هزینه‌های بهداشت، درمان و تغذیه)
۷. **مهاجرت** (کشمکش‌های داخلی در اروپا)
۸. **بیماری‌های همه‌گیر** (مانند سارس)
۹. **تغییرات آب و هوایی شدید** (طوفان کاترینا، گرم شدن کره‌ی زمین، غیر قابل سکونت شدن نیمکره‌ی شمالی، جنگ برای محل سکونت، آب و غذا)
۱۰. **مبارزه با موادمخدر** (دستیابی به توانایی تولید داخلی مواد متامفتامین‌دار، بیکاری ستاد مبارزه با موادمخدر، غیرقابل مبارزه شدن)
۱۱. **طول عمر انسان** (جراحی و شیمی، مراکز تحقیقاتی مهندسی ژنتیک، استفاده از بیولوژی مولکولی)
۱۲. در راه بودن **انقلاب علمی** (کشف نیرویی خلاف جاذبه‌ی بین ستاره‌ها و سیارات، انرژی تاریکی، ۹۰٪ عالم از انرژی تاریک و توده‌ی تاریک تشکیل شده، علم ما تنها در مورد ۱۰٪ آن می‌باشد، کنترل تک تک مولکول‌ها، اتم‌ها و الکترون‌ها)

جهانی‌سازی عبارت‌است از نزدیک شدن کشورها و ملت‌های جهان که در نتیجه‌ی کاهش شدید هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات از سویی و رفع موانع جریان آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و دانش از سوی دیگر اتفاق افتاده است، علت اعتراضات به جهانی‌سازی جنبه‌ی اقتصادی آن است. جهانی‌سازی اغلب مترادف با اقتصاد سرمایه‌داری امریکایی بوده که حاصل آن وجود یکصد میلیون نفر از جهانیان در زیر خط فقر می‌باشد. نسبت مبادله‌ی کالاها طبق توافق تجاری سال ۱۹۹۵، به کاهش بهای کالاها و برخی کشورهای فقیر نسبت به آنچه که برای واردتشان می‌پردازند، منجر شده است. صدمه به محیط زیست، به فساد کشیدن فرایندهای سیاسی و اجبار برای تطابق فرهنگی کشورهای در حال توسعه از دیگر آسیب‌های جهانی شدن قلمداد شده است. سه نهاد متولی این روند:

صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۴۴ در نیو همپشایر امریکا تشکیل شد و با هدف جلوگیری از رکود و بحران‌های اقتصادی به دنبال تجربه‌ی دهه‌ی ۳۰، روند تصمیم‌گیری بر اساس توان اقتصادی کشورها بعد از جنگ جهانی دوم می‌باشد. در این صندوق تنها ایالات متحده امریکا حق وتو دارد، در اتحادیه اروپا ۵ کشور این حق را دارند به نوعی **این صندوق و بانک جهانی بخشی از قلمرو و وزارت خزانه‌داری امریکا** محسوب می‌شود. اگرچه صندوق برای غلبه بر شکست بازار شکل گرفته بود، با اتحاد ریگان و تاجر دوباره بازاریگری افزایش بر آن حاکم شد. بنابراین در اعتلای ثبات اقتصاد جهانی شکست خورد توصیه تفاهم واشنگتن در سراسر دهه ۸۰ و ۹۰ سه ستون داشت: خصوصی‌سازی، آزادسازی و ریاضت مالی (سیاست‌های تثبیت اقتصادی).^{۵۵} موفقیت خصوصی‌سازی با دو مولفه در ارتباط است: سرعت انجام اصلاحات و ترتیب انجام اصلاحات که صندوق به آن توجه نکرد. تفاهم جدید مبنی بر بازاریگری افزایش بود. کشورهای در حال توسعه اغلب فاقد بازار کامل بوده، با حذف مداخله دولت، این مشکل به خصوص در مورد بازار سرمایه چندبرابر می‌شود. صندوق بعد از تفاهم تنها به کشورهایی وام داد که به سیاست‌های کاهش کسری بودجه، افزایش مالیات‌ها و افزایش نرخ بهره تن دهند که در عمل باعث فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شوند.^{۵۶}

از طرفی صندوق حامی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه بود، این موضوع باعث تضعیف کسب و کارهای خارجی بوده به خصوص در مورد موسسات پولی، بعد از تضعیف بانکداری داخلی، بیشتر از شرکت‌های چندملیتی حمایت کرده و باعث از بین رفتن کسب و کارهای داخلی خواهند شد. بحران آسیای شرقی، اقدامات در خصوص اصلاح اوضاع روسیه پس از فروپاشی کمونیسم و وجود تناقضات میان رسالت و عملکرد صندوق از دیگر مصادیق ناموفق بودن صندوق در انجام وظایف خود می‌باشد.^{۵۵}

بانک جهانی: اسم واقعی این بانک «**بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه**» بوده است و برای بازسازی کشورها بعد از جنگ جهانی دوم تاسیس گردید. در دهه ۸۰ دچار تحول شد. اداره تحقیقات این بانک پاکسازی گردید. اقتصاددان ارشدی که به سمت اصلاح نارسایی بازار در کشورهای در حال توسعه متمایل بود جای خود را به اقتصاددان دیگری که طرفدار بازار آزاد بود، داد. مشکل را در خود کشورها می‌دید، بنابراین با موافقت صندوق بین‌المللی پول به آنها وام می‌داد و شرایط کشور وتو کننده را تحمیل می‌کرد. بنا بود صندوق به امور اقتصاد کلان کشورها بپردازد و بانک جهانی اصلاحات ساختاری انجام دهد. صندوق در حیطه وظایف بانک دخالت می‌کرد و یک سیاست را برای تمام کشورها کارگر می‌دانست.^{۵۵}

سازمان تجارت جهانی: این سازمان هیچ مقرراتی وضع نمی‌کند بلکه جایگاه مذاکرات تجاری بوده و بر حسن اجرای این توافقات نظارت می‌کند. به عنوان مثال در دور اخیر در اروگوئه که بر سر آزادسازی تجاری مذاکره داشتند، بحث به سمت خدمات مالی و فناوری کشیده شد و خدمات دریایی و ساختمانی که محل درآمدزایی کشورهای در حال توسعه بودند، مسکوت ماند و از درآمد کشورهای در حال توسعه کاسته شد.^{۵۵}

سایر تبعات جهانی شدن در اقتصاد عبارتند از: **کاهش نرخ بیکاری در کشورهای با اقتصاد باز^{۵۸} و سیاست‌زدایی اقتصادی دولت‌ها^{۵۹}**
کار:

رقابت جهانی و فناوری‌های نوین ارتباطات: پیشرفت و توسعه در فناوری اطلاعات طریقه‌ی کار کردن درون سازمان‌ها را تغییر داده است. استقلال از سازمان: عاملین آزاد^{۶۰} وفاداری و تعهد متقابل میان تیم‌ها، شرکت‌ها، کارمندان و مشتریان با عامل آزاد و نه تنها وفاداری به یک سازمان، در تقریباً یک چهارم از افراد شاغل در اینگونه شغل‌های اشتغال دارند. **مارکسیسم دیجیتال** عنوانی است که به دلیل هزینه‌ی کم فناوری‌های لازم برای راه‌اندازی یک آژانس آزاد به عصر حاضر داده است. شاغلین بدون مرز برای تمام مدت زندگی کاری خود برنامه‌ریزی باید داشته باشند و مسئولیت کار آنها با خودشان است.^{۶۰}

سایر تبعات جهانی شدن بر اشتغال عبارتند از: **بازتوزیع وقت بین کار تحصیلات و خانواده، تمایل شرکت‌ها به برونسپاری فعالیت‌های (دسترسی بیشتر به مهارت‌ها و کارکنان ماهر، کاهش هزینه‌ها)، مهاجرت نیروی کار، انعطاف‌پذیری نیروی کار، ایجاد استاندارد جهانی برای شرایط کار^{۶۱}**

^a Free agent

آموزش:

آموزش عالی فراتر از مرزها ایجاد می شود به این صورت که تحرک و پویایی دانشجویان، دانشکده‌ها و کاهش قیمت حمل و نقل و ارتباطات باعث **بین-المللی شدن مطالعات آکادمیک** خواهند شد.^{۶۲} حرکت از آموزش دوسنادر محیط^a به **آموزش برای توسعه‌ی پایدار**^{۶۳} که توسط یونسکو ارائه شده است، آموزش برای همه^b و آموزش برای توسعه‌ی پایدار^c را دو روی سکه دانسته، و هدف آموزش را توسعه‌ی پایدار و ساختن جهانی پاک و توسعه یافته برای آیندگان می‌داند

فرهنگ و قومیت:

تنوع و غنا: در گذشته مردم تنها بین خانه، محله‌ی زندگی و محل کار در رفت و آمد بودند و پیوندهای اجتماعی آنان در این حیطه محدود بود و فرهنگ محلی را ایجاد می‌نمود ولی امروزه آنها مسافت‌های طولانی را برای کار می‌پیمایند، در معرض تصاویر مختلفی از عکس‌ها و فیلم‌ها قرار می‌گیرند، زندگی خود را با این اطلاعات چندگانه مقایسه می‌کنند و می‌سنجد و در مواردی فرار از این جهانی شدن فرهنگی برایشان دشوار خواهد بود. همچنین دسترسی به این اطلاعات متنوع، فرهنگ کلانشهری شهرها را غنا می‌بخشد و ساکنین شهر را به **"مصرف کنندگان فرهنگی چندریختی"**^d تبدیل می‌کند. این شرایط آنها را نسبت به **فرهنگ‌های متفاوت تاب آور و صبور** می‌کند و از طرفی به یک بیگانه در محل زندگی خود تبدیل می‌شوند. اینکه کدام فرهنگ در چه زمانی و در کجا حاکم است به طور قطع قابل تشخیص نیست ولی این موضوع هم که فرهنگ جهانی بر همه جا حکم فرماست، را نمی‌توان به صراحت اعلام کرد. **مهاجران با خود ایده‌ها را وارد می‌کنند و فرهنگ شهر را به فرهنگ جهانی نزدیک می‌کنند.**^{۶۴}

ترس و تضاد^e (ایجاد دو قطب): معمولاً در شهرهای مهاجرپذیر، به نوعی طفره رفتن در پذیرش مهاجران دیده می‌شود، حتی برای کنترل و ایجاد سلطه بر روی فضاهای عمومی مثل پارک‌ها تلاش‌هایی از سوی ساکنین اصلی صورت می‌گیرد.

استانداردیزه شدن^f: جریان مداوم مهاجرت باعث حذف تدریجی تفاوت‌های زمانی و مکانی می‌شود. ممکن است یک موزیک در نقاط مختلف جهان شنیده شود. قدر بازارهای سرمایه در جابجایی سریع پول، خدمات و کالاها، مردم جوامع مختلف را در یک بازه‌ی زمانی یکسان قرار می‌دهد. گسترش صنایع فرهنگی^g تمام محصولات فرهنگی به غیر از بازی‌های کامپیوتری در ابتدا محصولات در سطح ملی بودند ولی به تدریج با جهانی شدن و ارتباط شرکت‌های مختلف با کشورهای متفاوت، محصولات با ذائقه‌های فرهنگی مختلف سازگاری پیدا خواهند کرد.^{۶۵} سایر تبعات جهانی شدن بر فرهنگ و قومیت عبارتند از: سیاسی شدن قومیت و فرهنگ^{۶۶} افزایش خودآگاهی قومی و انتظارات از دولت مرکزی برای برآوردن نیازها و افزایش خودآگاهی فرهنگی^{۶۷} و تکنولوژی و قدرتی که از آن حاصل می‌شود، دیگر تحت کنترل دولت‌ها نیست.^{۶۸} تمدن‌ها واحدهای اصلی منازعه هستند و نه دولت‌ها؛ کشورهای غیرغربی در صحنه اقتصادی بازیگر هستند.^{۶۹}

در صورت عدم برنامه ریزی صحیح، **جهانی شدن منجر به نابرابری در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته** می شود و نیز ته‌چام فرهنگی، آسیب‌های اجتماعی، رکود صنایع داخلی کشورها و افزایش بیکاری روی می دهد. در عین حال تأثیرات مثبتی مانند انسجام اجتماعی، افزایش ارتباطات بین فردی و افزایش فرصت های شغلی برای افراد توانمند را نیز دارد. پیشرفت و توسعه در فناوری اطلاعات طریقه کار کردن درون سازمان‌ها را تغییر داده و سبب استقلال از سازمان شده به طوریکه وفاداری و تعهد متقابل میان تیم‌ها، شرکت‌ها، کارمندان و مشتریان به جای وفاداری به یک سازمان، با عامل آزاد ایجاد می شود. جهانی شدن سبب رونق اقتصادی و کاهش سهم دولت از طریق گسترش استفاده از فناوری گردیده و جایگاه نظارت دولت بر اقتصاد و سرمایه گذاری تضعیف می شود و نیز سبب تشریک مساعی مستقیم مردم در عرصه های اقتصادی از طریق فناوری می شود. از طرفی سبب از بین رفتن بازار محصولات تولید شده با روش های سنتی شده و **بیکاری را می افزاید** و به رکود صنایع داخلی در کشورهای در حال توسعه منجر می گردد. **جهانی شدن بر آموزش تأثیرات مثبتی دارد از جمله افزایش امکان دسترسی به آموزش، افزایش ارتباطات بین فردی، افزایش عملکرد اجتماعی، تغییر نظام آموزش در پاسخ به نیاز های متغیر جامعه، ظهور رشته های تحصیلی جدید و کاهش سهم دولت در نظام آموزش.** جهانی شدن از یک سو باعث از خود بیگانگی و سست شدن بنیان فرهنگی، تضاد فرهنگی، تقابل فرهنگی و کاهش حیا می تواند بشود و از سوی دیگر با اقتباس نکات مثبت سایر فرهنگها به غنی شدن فرهنگ جامعه کمک می کند .

^a Environmental education

^b Education for all

^c Education for sustainable development

^d Polymorphous cultural consumer

^e polarization

^f Standardization

^g Cultural industries

روش کار

این مطالعه آینده شناسی، یک مطالعه کیفی از نوع تحلیل اثرهای متقاطع^a می باشد. در این روش، ماتریسی ساخته می شود که وابستگی های متقابل حوادث مختلف را نشان می دهد. در سطرهای ماتریس مجموعه ای حوادثی که احتمال وقوع آنها در آینده وجود دارد فهرست گردید و در ستون های آن، عواملی که تحت تأثیر حوادث درج شده در سطرها قرار می گیرند، ذکر می شوند.

برای تهیه پرسشنامه، ابتدا جهت بررسی مستندات موجود با استفاده از کلیدواژه های مناسب، یک جستجو در موتور های جستجوگر scholar.google.com و google.com و پایگاه های داده www.eric.ed.gov و www.cochrane.org و magiran.com و medlib.ir و www.irandoc.ac.ir و www.who.int و iranmedex.com و sid.ir و pubmed.org و

sciencedirect.com انجام شده و کلیه مستندات و مقالات مربوطه استخراج گردید. مقالات جمع آوری شده از نظر ارتباط (Relevancy) با موضوع بررسی شده و مقالات بدون ارتباط کنار گذاشته شدند و روند ها و حوادث آینده از آنها استخراج شده و مورد دسته بندی قرار گرفتند. به طور کلی روندهای آینده به چهار دسته اصلی شامل تغییرات جمعیتی، تغییرات منابع، تغییرات اقلیمی و جهانی شدن تقسیم بندی شدند.

جامعه هدف ما را خبرگان آینده پژوهی تشکیل دادند. علت انتخاب این شرکت کنندگان فرض احاطه آنان به موضوع مورد نظر بود. همانطور که ذکر گردید، برای جمع آوری نظرات خبرگان پرسشنامه ای با استفاده از روش تحلیل اثرهای متقاطع بکار گرفته شد که در سطرهای ماتریس مجموعه ای از ۱۲ دسته از حوادثی که احتمال وقوع آنها در آینده وجود دارند ذکر شدند و در قسمت ستون های پرسشنامه از مصاحبه شوندگان پرسیده شده بود تا تأثیر این حوادث بر سلامت اجتماعی ایرانیان را به صورت مقیاس لیکرت پنج تایی از بسیار مثبت تا بسیار منفی ارزیابی نمایند و در ادامه از آنها خواسته شده بود تا مهمترین دلیل و یا مصداق این تأثیر را ذکر نمایند. در پروژه حال حاضر از سه تعریف سلامت اجتماعی به صورت زیر استفاده شده است که همراه با راهنمای پرسشنامه برای مصاحبه شوندگان ارسال گردید:

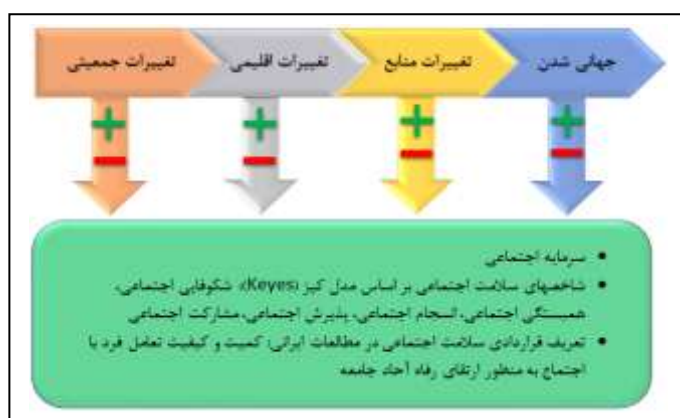
الف- سرمایه اجتماعی

ب- پنج شاخص سلامت اجتماعی براساس مدل کیز (Keyes):

۱. شکوفایی اجتماعی (Social Actualization): باور به اینکه اجتماع سرنوشت خویش را در دست دارد و به مدد توان بالقوه اش مسیر تکاملی خود را کنترل می کند.
۲. همبستگی اجتماعی (Social coherence): باور به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش بینی است. دانستن و علاقه مند بودن به جامعه و مفاهیم آن.
۳. انسجام اجتماعی (Social integration): احساس بخشی از جامعه بودن و اینکه فرد به جامعه تعلق دارد. احساس حمایت از طرف جامعه و سهم داشتن در آن.
۴. پذیرش اجتماعی (Social acceptance): داشتن گرایش های مثبت نسبت به افراد. پذیرفتن افراد علیرغم برخی رفتارهای سردرگم کننده و پیچیده آنها.
۵. مشارکت اجتماعی (Social contribution): احساس اینکه چیز با ارزشی برای ارائه به جامعه داریم و فعالیت های روزمره ما به وسیله جامعه ارزش می دهد.

ج- تعریف قرار دادی استفاده شده در مطالعات ایرانی می باشد به صورت کمی و کیفیت تعامل فرد با اجتماع به منظور ارتقای رفاه آحاد جامعه.^{۷۰}

روش نمونه گیری در این مطالعه از نوع نمونه گیری هدفمند و تعمدی به صورت شناسایی ذی نفعان و تکمیل پرسشنامه و مصاحبه عمیق با آنها بود. به این صورت که فایبل پرسشنامه برای صاحب نظران توسط ایمیل فرستاده شد و از آنان خواسته شد که نظرات خود را نسبت به چگونگی تأثیر وقوع هر حادثه در



شکل ۱: مدل مفهومی تأثیر روندهای جهانی بر سلامت اجتماعی و تعاریف مربوطه

سطر را بر موضوع مطرح شده در ستون با گویه های مناسب بیان کنند. همچنین برای افرادی که مایل به انجام مصاحبه حضوری بودند تیم تحقیق با وقت قبلی جهت مصاحبه حضوری مراجعه نمودند. تمام مصاحبه های انجام شده با کسب رضایتنامه آگاهانه از شرکت کنندگان ضبط و در اولین فرصت پس از اتمام هر مصاحبه، کلمه به کلمه بر روی کاغذ نوشته شد. پاسخها به روش تحلیل درون مایه ای (Thematic Analysis) مورد تحلیل قرار گرفتند؛ بدین صورت که تم ها یا درونمایه ها به عنوان کوچک ترین واحدهای معنی دار استخراج، کد بندی و طبقه بندی شدند. اطلاعات حاصل از تحلیل داده ها در دو نوبت توسط همان خبرگان به صورت بحث گروهی متمرکز ارایه و تکمیل شده است.

^a Cross-impact analysis

نتایج

۱- تغییرات ساختار جمعیت:

• تغییر ترکیب سنی جمعیت (مسن تر شدن جمعیت)

در مورد تاثیر مسن تر شدن جمعیت بر سلامت اجتماعی از نظر خبرگان دو دیدگاه متفاوت وجود داشت. عده ای از مصاحبه شوندگان معتقد بودند در حال حاضر ما سالمندانی افسرده و منزوی داریم که تعاملات اجتماعی اندکی دارند و اگر به همین صورت پیش برویم در آینده با افزایش نسبت تعداد سالمندان به کل جمعیت سلامت اجتماعی ما کاهش خواهد یافت. الان یک فردی ۷۵ ساله را در نظر بگیرید که تفریح و دل مشغولی درست و حسابی ندارد و فقط دارد روز شماری می کند که چه موقع از دنیا خواهد رفت حالا ببینید وقتی تعداد این گونه سالمندان در جامعه بیشتر می شود چه وضعیتی پیش می آید. به اعتقاد مصاحبه شوندگان، خانه های سالمندان هم به صورت فعلی خود باعث جدا افتادن سالمندان از جامعه می شوند. اما برخی دیگر اعتقاد داشتند که سالمندان می توانند باعث افزایش سرمایه اجتماعی جامعه می شود به این صورت هر سالمند کانونی است که سایر افراد را به دور خود جمع می کند که باعث افزایش تعاملات بین افراد خواهد شد.

• تغییر ترکیب جنسیتی جمعیت (افزایش نسبت مردان به زنان در برخی از جوامع)

تقریباً تمام مصاحبه شوندگان معتقد بودند که این مسئله در کشور ما موضوعیت نخواهد داشت و حتی در صورت افزایش نسبت مردان به زنان در آینده، اختلاف بین نسبت تعداد این دو آنقدر کم خواهد بود که تاثیر قابل توجهی بر سلامت اجتماعی جامعه نخواهد داشت. حتی یک نفر از خبرگان معتقد بود با توجه به آنکه در حال حاضر فرزندان دختر نسبت به پسران در دوران کهولت توجه بیشتری به پدر و مادر خود می کنند، والدین ترجیح می دهند تا فرزند دختر داشته باشند و ممکن است حتی در آینده نسبت زنان به مردان افزایش پیدا کند!

• افزایش نسبت سرباری (افزایش تعداد سالمندان که باعث کاهش نسبت نیروی مولد جامعه می شود)

به اعتقاد مصاحبه شوندگان به دلیل افزایش نسبت سرباری گروه مولد باید بیشتر کار کند و فرصت کمتری برای اوقات فراغت و تعامل با خانواده و دوستان و کارداوطلبانه برای اجتماع و جامعه خواهد داشت. عده ای معتقد بودند برای مقابله با افزایش نسبت سرباری باید جمعیت جوانان که نیروی مولد جامعه هستند افزایش یابد. اما عده ای از خبرگان نظر متفاوتی داشتند: این مشکل [افزایش نسبت سالمندان] الان در کشورهای اروپایی و ژاپن وجود دارد و در آینده گریانگیر ما نیز خواهد شد و شاید به جای آنکه سعی کنیم نرخ رشد جمعیت را بالا ببریم تا با افزایش تعداد جوانان نسبت سالمندان را کم کنیم بهتر باشد تا کاری کنیم که افراد سالمندی سالمی داشته باشند و در دوران سالمندی هم نیروی مولد به حساب آیند.

• تغییر در مفهوم بازنشستگی (بالا تر رفتن سن بازنشستگی)

اثر مثبت بر سلامت اجتماعی دارد چون وقتی افراد مدت بیشتری کار می کنند، احساس شغف و مولد بودن احساس بالنده بودن را به افراد القا می کند اما از سوی دیگر افراد در سنی که باید به استراحت بپردازند فرصت کمتری برای اوقات فراغت، تفریح و تعامل با خانواده و دوستان خواهند داشت.

• وارد شدن بیشتر زنان به بازار کار

وارد شدن زنان به بازار کار سبب افزایش مشارکت خانم ها در جامعه شده ارتباطات اجتماعی آنها را افزایش می دهد و برای سلامت اجتماعی خانم ها اثر خوبی خواهد داشت. اما اثرات منفی آن به صورت کاهش باروری، کاهش جمعیت خانوار، بروز آسیب های اجتماعی در کودکان، سستی نهاد خانواده که باعث کاهش سرمایه اجتماعی می شود و همچنین سبب کاهش فرصت شغلی برای آقایان می شود که مشکلات خود را به دنبال خواهد داشت.

۲- شهر نشینی:

ارتباطات اجتماعی در شهرها با آنچه که در جوامع روستایی وجود دارد تفاوت زیادی دارد. شهر امکانات بیشتری برای تعاملات اجتماعی فراهم خواهد کرد، ولی از طرف دیگر، ازدحام و غریبگی افراد آنها را از هم دور میکند در شهر ممکن است هر کسی با تعداد زیادی از افراد ارتباط داشته باشد اما این ارتباطات غالباً سطحی هستند و ما با نوعی بی تفاوتی عاطفی در شهرها روبرو هستیم. همچنین ماهیت شغلها در محیط های شهری با اجبار و استرس همراه است. از دیگر مشکلات گسترش شهر نشینی میتوان به تضادهای فرهنگی و نیز شیوع خرده فرهنگ های وارداتی و کاهش تعلق ملی اشاره نمود. همچنین گسترش شهرنشینی همراه است با فقر فرهنگی، کاهش همبستگی اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و سرمایه اجتماعی و نیز کاهش احساس ادراک عدالت. در کنار این مسائل شهرنشینی ایجاد ازدحام، آلودگی هوا و ... مشکلات دیگری را نیز به همراه دارد.

لذا به اعتقاد مصاحبه شوندگان گسترش شهرنشینی به طور کلی اثرات متفاوتی دارد و می توان آنرا به دو روند تقسیم نمود: «افزایش ابرشهرها (متروپلیا) و شهرهای بزرگ» و «افزایش شهرهای کوچک و متوسط» که اولی اثر منفی بر سلامت اجتماعی خواهد داشت و دومی اثر مثبت. برخی از خبرگان معتقدند که در دهه های آینده روند مهاجرت معکوس را هم خواهیم داشت به عبارت دیگر افراد از شهرهای بزرگ به روستاها و شهرک های کوچکتر مهاجرت می کنند البته این اتفاق برای دهک های بالای جامعه اتفاق خواهد افتاد چون افراد برخوردار چند ویژگی دارند: وسایط نقلیه دارند، پول اضافه دارند و نیازی به اشتغال تمام وقت ندارند.

• حاشیه نشینی و محلات فقیر نشین:

حاشیه نشینی یعنی حضور فقر و عقب ماندگی و محرومیت که غالباً در قالب جمعیت های جوان مهاجر شکل می گیرد معضل بزرگ اجتماع، امنیت و سلامتی شهرهای بزرگ است زیرا فقر موجب کاهش احساس پیوستگی^a و احساس انسجام^b و سهم داری^c می شود. توسعه سریع شهرنشینی و بالطبع شکل نگرختن فرهنگ مناسب و قاچاق و جرم و جنایت و اغتشاش در حاشیه نشینی از جمله عوارض حاشیه نشینی است. حاشیه نشینان ممکن است روابط بین فردی زیادی داشته باشند اما این روابط معمولاً در جهت ارتقای رفاه آحاد جامعه نیست. علاوه بر آنکه سلامت اجتماعی این گروه از افراد بشدت مورد تهدید است، آنها تهدیدی برای سلامت اجتماعی سایر شهروندان هم بشمار می روند.

^a coherence

^b integrity

^c contribution

• **شورشهای شهری:**

جمعیت جوان و به حاشیه رانده شده پتانسیل راه اندازی شورشهای خیابانی را دارند و کنترل های بیرونی/پلیسی چه با دوربین و چه بطور مستقیم کارایی مورد انتظار را ندارند. به دنبال شورشهای شهری و نیز نظارت های شهری احساس نا امنی ممکن است ایجاد شود. همین حالا هم در برخورد با این افراد مبینیم که نوعی احساس خشم و کینه در آنها نسبت به طبقات فرادست و مرفه جامعه وجود دارد که این جای نگرانی دارد.

• **نظارت های شهری (گسترش دوربین های مدار بسته):**

از یک سو آزادی افراد را محدود می کند اما همین که افراد احساس می کنند که رفتار آنها تحت نظر می باشد باعث می شود که بر رفتار خود کنترل بیشتری داشته باشند که این امر در نهایت باعث می شود تا افراد احساس امنیت بیشتری در جامعه داشته باشند.

۳- **تحرک جهانی (مهاجرت):**

به اعتقاد مصاحبه شوندگان روند مهاجرت به صورت کنونی در طولانی مدت باعث خروج نخبگان و سرمایه های فکری از کشور و در واقع فرار زن ها خواهد شد. مهاجران به امید داشتن زندگی بهتر با استفاده از راههای قانونی و یا غیر قانونی از قبیل قاچاق انسان جلائی وطن می کنند و حتی ممکن است جان خود را در راه مهاجرت به خطر بیندازند. این مهاجران ممکن است زندگی مادی مرفه و قابل قبولی داشته باشند اما بخاطر عدم تطابق با محیط جدید از مشکلات و استرس های روحی رنج می برند. علاوه بر آن، با اینکه ممکن است فرد مهاجرت کننده بتواند خود را با شرایط جدید وفق دهند و ارتباطات اجتماعی خوبی در کشور جدید داشته باشند ولی در هر حال پیوند خود با کشور مادری و به دلیل آن بسیاری از ارتباطات و تعاملات خود را از دست داده اند و بنظر می رسد که در کل مهاجرت باعث کاهش سلامت اجتماعی ایرانیان خواهد گردید.

• **تاثیر پذیرفتن فرهنگ مهاجران و کشور میزبان از یکدیگر:**

مهاجران ممکن است دچار نوعی تضاد و تعرض بین دو هویت و یا دو ملت بویژه از لحاظ مذهبی شوند این مسئله در مورد فرزندان مهاجران و نسلهای دوم و سوم بارز تر است. بعضی از مهاجران فرزندان خود را طوری بار آورده اند که این فرزندان، خود را کاملاً ایرانی می دانند و برخی دیگر کاملاً از ایران بریده اند و فرزندان خود را کاملاً اهل کشوری که ساکن آن هستند تربیت کرده اند.

رقابت بین مهاجران با شهروندان بومی برای بدست آوردن شغل، امکانات رفاهی و ... که باعث نارضایتی از مهاجران و به حاشیه رانده شدن مهاجران می شود نیز از مشکلات عمده مهاجران در برخی از کشورها است. الان در بعضی از کشورها مثل استرالیا دید خوبی نسبت به مهاجران خارجی و مخصوصاً ایرانیان وجود ندارد و می گویند که چرا باید پول مالیاتی که ما می دهیم برای این افراد خرج شود؟ ارتکاب جرائم توسط برخی از مهاجران هم باعث شده که در برخی کشورها نوعی پیش دوری در باره مهاجران وجود داشته باشد. در کتاب های درسی کشور ژاپن نوشته شده که مواد مخدر اولین بار توسط ایرانی ها وارد ژاپن شده است!

۴- **تجارت جنسی (Sex trafficking):**

تمامی مصاحبه شوندگان متفق القول بودند که تجارت جهانی روابط جنسی و استثمار جنسی در کودکان و زنان و حتی در مردان، از عوامل مهم آسیبهای اجتماعی است و با ایجاد ناامنی، فقدان امنیت اجتماعی تاثیر بسیار منفی بر سلامت اجتماعی خواهد گذاشت. ممکن است روابطی سطحی بین افراد ایجاد شود اما این ارتباطات در جهت کاهش سرمایه اجتماعی می باشد. همچنین افزایش فحشا موجب افزایش روابط برون ازدواجی^a و تزلزل نهاد خانواده می شود.

۵- **توریسم:**

مصاحبه شوندگان تاثیرات مثبت توریسم بر سلامت اجتماعی را بیشتر از تاثیرات منفی آن ارزیابی کرده اند. توریسم در حقیقت به نوعی تغییرات فرهنگی اجتماعی است که باعث شناختن فرهنگهای مختلف شده و با افزایش ارتباطات بین فردی باعث افزایش سرمایه اجتماعی شده و بر روی سلامت اجتماعی تاثیر مثبتی دارد. علاوه بر آن توریسم با رونق بخشیدن به اقتصادهای کوچک خانگی تولید صنایع دستی موجب افزایش فرصت های شغلی و کسب درآمد و شکوفایی اقتصادی می شود. با این حال توریسم در کنار رونق اقتصادی و تاثیرات اشتغال زایی که دارد، می تواند در صورت عدم برنامه ریزی درست منجر به تاثیرات منفی از قبیل تضاد و تهاجم فرهنگی، تجارت روابط جنسی و آلودگی محیط زیست گردد.

۶- **جرائم بین المللی:**

که مشکل تروریسم و سایر جرائم بین المللی ممکن است در آینده گسترش پیدا کند و به دلیل آنکه این موضوع احساس نا امنی را القا می کند بر سلامت اجتماعی تاثیر منفی خواهد داشت. جرائم بین المللی هر چهار منبع ارزشمند جامعه یعنی سرمایه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تخریب می کند. همچنین روابطی که این گونه در جریان جرم و جنایت سازمان یافته بین افراد شکل می گیرد مطمئناً در جهت ارتقای رفاه آحاد جامعه نیست.

۷- **گسترش اینترنت:**

به اعتقاد مصاحبه شوندگان گسترش اینترنت و شبکه های اجتماعی نوع روابط بین فردی در جامعه را دستخوش تغییر خواهد کرد و باعث ایجاد روابط مجازی بین افراد می شود که این روابط مجازی با اینکه کمیت زیادی دارند اما اغلب ممکن است سطحی باشند که باعث کاهش سرمایه های اجتماعی واقعی خواهد شد. علاوه بر آن روابط مجازی مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارا هستند: افراد در دنیای مجازی اینترنت هویت های مجازی برای خود انتخاب می کنند و با توجه به آن هویت مورد توجه قرار می گیرند اما وقتی می بینید که در دنیای واقعی خبری از این توجهات نیست، دچار سرخوردگی می شوند.

و یا: الان تفریحات و اوقات فراغت جوانان کشور ما را شبکه های اجتماعی مجازی و بازیهای کامپیوتری تشکیل می دهد. این گونه تفریحات از یک سو موجب افزایش مهارت ها شده اما از سوع دیگر باعث منفعل کردن فرهنگ فراغتی جوانان و کاستن از مهارت های آنها در ایجاد سرگرمی های خلاق با عاملیت خود، می شود.

آموزش های مجازی باعث می شود تا همه افراد از فرصتهای مساوی برای فراگیری بر خوردار شوند که سبب کاهش افت تحصیلی، رونق اقتصادی، توسعه اقتصادی و افزایش مشارکت اجتماعی افراد جامعه خواهد شد. درست است که دورکاری از یک سو باعث می شود که تعاملات چهره به چهره افراد با یکدیگر در محیط کاری کمتر شود اما در مقابل افراد فرصت بیشتری برای اوقات فراغت و تعامل با خانواده و دوستان و کارداوطلبانه برای اجتماع و جامعه خواهند داشت و در نهایت بر روی سلامت اجتماعی آنان تاثیر مثبت خواهد داشت. یکی از مسائلی که باید به آن توجه نمود جرائم و کلاهبرداری اینترنتی است که در کشور ما نیز در حال افزایش است که باعث ایجاد احساس عدم امنیت خواهد شد.

^a extramarital

۸- آب: (مصرف بیش از اندازه آب و افزایش تقاضا برای آب، آلوده شدن منابع آب، نقصان ذخیره برف و یخ و تأخیر برای جبران منابع آب، مناطق مرطوب، مرطوب تر و به راه افتادن سیل، مناطق خشک، خشک تر و خشکسالی شدید و بیابان زایی، قحطی)

در آینده ما با معضل خشکسالی روبرو هستیم که سبب کاهش دسترسی به آب آشامیدنی سالم، رقابت و حتی جنگ برای دستیابی به منابع، اضطراب و نگرانی و بحران اقتصادی اجتماعی سیاسی، نا امنی، مهاجرت، افسردگی، فقدان دلستگی، کاهش سرمایه اجتماعی، مهاجرت اجباری از روستا به شهر بر اثر خشکسالی، افزایش شهرنشینی بدون حصول مولفه های شهروندی می شود. پیش بینی شده که به دلیل وقوع خشکسالی در پنجاه سال آینده نیمه جنوبی کشور خالی از سکنه خواهد شد. در واقع به اعتقاد مصاحبه شوندگان این موضوع به طور مستقیم بر روی سلامت اجتماعی تأثیر نخواهد داشت اما از آنجایی که باعث ایجاد فقر و مهاجرت می گردد به طور غیر مستقیم سلامت اجتماعی را مورد تهدید قرار خواهد داد.

۹- سوخت های فسیلی (نفت خام، گاز طبیعی، ذغال سنگ): پایان ذخایر

در کشور ما نفت به عنوان مهمترین سرمایه اقتصادی است که تأثیر زیادی نیز بر سرمایه سیاسی دارد. در مورد تأثیر پایان نفت خام و گاز بر روی سلامت اجتماعی ایرانیان سه دیدگاه مختلف وجود داشت: به اعتقاد برخی از مصاحبه شوندگان پایان نفت به دلیل ایجاد فقر و مشکلات اقتصادی بر سلامت اجتماعی تأثیر منفی خواهد داشت. بعضی دیگر اعتقاد داشتند: پایان ذخایر نفت و عدم وابستگی اقتصاد کشور به درآمد نفتی باعث خواهد شد که ما نیز مانند کشورهای اروپایی به خودمان زحمت کار کردن بدهیم. و یا: یکی از علتهای فساد در کشور ما همین داشتن نفت است. که بر روی سلامت اجتماعی تأثیر مثبت خواهد داشت. و عده ای نیز معتقد بودند که این روند تأثیر بر روی سلامت اجتماعی ما نخواهد داشت.

۱۰- انرژی هسته ای: (توان تولید برق، افزایش تمایل کشورها به استفاده از انرژی هسته ای)

این نوع انرژی علیرغم پاکتر بودن نسبت به دیگر انواع، خطرات ویژه ای به همراه دارد. بر اساس نظرات مصاحبه شوندگان این روند قابل تقسیم به دو روند فرعی می باشد: یکی «روند افزایش استفاده های صلح آمیز از انرژی هسته ای» و دیگری «روند افزایش سلاح های هسته ای». در مورد اول، نظر آنها مثبت و برای مورد دوم نظر آنها منفی و یا به شدت منفی بود. در کشورهای صاحب فناوری هسته ای دنیا دیده شده که استفاده های صلح آمیز از انرژی هسته ای را نمی توان بدون دست یابی به سلاح هسته ای به دست آورد و با افزایش توان هسته ای استفاده نظامی از آن تقریباً اجتناب ناپذیر است، حال ممکن است به دلیل اعتقادات دینی این موضوع در کشور ما صدق نکند.

۱۱- تغییرات اقلیمی: (افزایش گازهای گلخانه ای، افزایش دمای کره زمین، انقراض گونه ها)

با ایجاد مشکلات زیست محیطی و به دنبال آن آلودگی هوا و آب باعث گسترش بیماری های جسمی و روانی می شود و با ایجاد ایجاد فقر و مهاجرت می به طور غیر مستقیم سلامت اجتماعی را نیز مورد تهدید قرار خواهد داد.

۱۲- جهانی شدن

به علت آنکه نمی توان اقتصاد را سیاست زدایی کرد، جهانی شدن با نوعی قطبی شدن اقتصاد و ثروت همراه است و نابرابری های حاصله از آن بشدت سلامت مردم بویژه گروه های فقیر را تهدید می کند. (فاصله قابل ملاحظه فقیر و غنی) به اعتقاد مصاحبه شوندگان جهانی شدن جنبه های مثبت و منفی فراوانی دارد که حتی در میان آنها برخی به طور مطلق مثبت یا منفی نیستند:

اثرات مثبت: کارآفرینی، رفاه، انسجام اجتماعی، افزایش ارتباطات بین فردی، افزایش فرصت های شغلی برای افراد توانمند

اثرات منفی: تقابل فرهنگی، شکاف نسلی، ایجاد آسیب های اجتماعی، رکود صنایع داخلی در کشورهای در حال توسعه، از بین رفتن بازار محصولات تولید شده با روش های سنتی و افزایش بیکاری، افزایش مهاجرت نیروی کار
همچنین به اعتقاد مصاحبه شوندگان جهانی شدن فرهنگ غربی اثرات فرهنگی سوئی از جمله از خود بیگانگی به همراه دارد و به طور غیر مستقیم با ایجاد شکاف نسلی بر روی سلامت اجتماعی تأثیر منفی خواهد داشت.

بحث و پیشنهاد:

به طور خلاصه تحلیل نظرات خبرگان نشان می دهد که روندهای آینده در چهار حیطه تغییرات جمعیتی، تغییرات منابع، تغییرات اقلیمی و جهانی شدن بالقوه تاثیرات متغیر و بیشتر منفی بر روی سلامت اجتماعی ایرانیان دارند:

در روند اول که تغییرات جمعیتی را شامل می شود، جمعیت جهان تا ۴۰ سال آینده تا ۵۰ درصد رشد خواهد کرد که تقریباً همه آن در کشورهای در حال توسعه خواهد بود این روند با پیر شدن و تغییر مفهوم بازنشتگی و ورود زنان به بازار کار همراه خواهد شد. افزایش مهاجرت، گسترش شهرنشینی و حاشیه نشینی را موجب شده و زمینه را برای بیکاری شهروندان بومی، تضاد فرهنگی بین نسلی در مهاجران، خشونت، سوء استفاده جنسی و استثمار اقتصادی از زنان را فراهم می آورد، به طور کلی جرائم افزایش می یابد: تروریسم، تجارت مواد مخدر، جرم و جنایت سازمان یافته بین المللی، قاچاق انسان، تروریسم پیوند اعضا، تجارت جهانی روابط جنسی و در معرض بودن کودکان. شاید یکی از اتفاقات مهم و مثبت در این روند توسعه تروریسم در پهنه جهانی است که تاثیر مثبت بر سلامت اجتماعی دارد البته در صورت عدم نظارت، اماکن توریستی مکان حمله تروریست ها خواهد بود، لذا در مجموع تاثیرات این روند بر سلامت اجتماعی متمایل به اثر منفی است تا مثبت.

روند دوم تغییرات منابع است؛ اینترنت به عنوان یک منبع اطلاعاتی آزادی و حق انتخاب بیشتر فراهم کرده و تجربه فراغت را از میدان های گروهی و جمعی به میدان های خصوصی هدایت می کند و به عنوان تنها امید بازسازی اجتماعات جدید در منابع معرفی می شود. یک سوم زمین های کشاورزی کره زمین تخریب خواهد شد؛ و در افزایش جمعیت دلیلی برای افزایش تقاضا برای مواد غذایی خواهد شد. سهم منابع فسیلی شامل ذغال سنگ، نفت و گاز کم شده و روند مصرف انرژی در کشورهای پیشرفته کاهش و در کشورهای در حال توسعه افزایش می یابد. **به دلیل تغییرات اقلیمی کمبود آب و بیابان زایی** خواهیم داشت. کل ذخایر قابل استحصال و مرسوم نفت، گاز و زغال سنگ به ترتیب طی ۳۳، ۴۴ و ۷۸ سال آینده پایان خواهد پذیرفت اما ظهور نفت های سنگین و فوق سنگین و همچنین منابع نفت شن و قیر شن و همچنین انرژی هسته ای امیدی تازه ایجاد خواهد کرد. در مجموع تاثیرات این روند بیشتر به دلیل کمبود منابع آبی و رقابت منفی کشورهای در حال توسعه و پیشرفته در استفاده از منابع طبیعی **تاثیر منفی بر سلامت اجتماعی ایرانیان** دارد اما بارقه های امید در مورد اثرات توسعه اینترنت به عنوان یک منبع اطلاعات و ایجاد فرصت های برابر و سلامت اجتماعی ایرانی ها بیشتر بارز است.

روند سوم تغییرات اقلیمی است؛ افزایش گازهای گلخانه ای و افزایش دمای کره زمین موجبات بالآمدن سطح اقیانوس ها، انقراض گونه ها، افزایش خشکسالی و کمبود آب آشامیدنی و غذا، افزایش ابتلا و تسری بیماری های واگیردار، اثر منفی بر کارکردهای قلبی عروقی را فراهم آورده و همچنین افزایش فشار بر صفحات تکتونیک زمین با افزایش وقوع زلزله، طوفان و سیل به دلیل بارش های سنگین تر همراه خواهد بود. این تغییرات بر افزایش مهاجرت افراد برخوردار تاثیر می گذارد و در این میان این فقیران هستند که بیش از هر گروه دیگر ادامه معیشت خود را با خطر مواجه می بینند. در مجموع تغییرات اقلیمی بالقوه با افزایش نابرابری بر سلامت اجتماعی افراد ایرانی تاثیر منفی دارد.

روند چهارم جهانی شدن است؛ قشربندی اجتماعی، تفاوت در معرض قرار گرفتن، تفاوت در حساسیت و قابلیت و تفاوت در پیامدها تاثیرات جهانی شدن است که با افول دولت ها، افزایش قدرت شرکت های بزرگ جهانی و نهاد های پولی بین المللی ایجاد می شود. شیوع خرده فرهنگ های وارداتی و کاهش تعلق ملی یک از آثار جهانی شدن است که در کنار سایر عوامل داخلی موجبات مهاجرت بیشتر را فراهم می کند و در مجموع با افزایش نابرابری جهانی همراه است که زنان و کودکان آسیب پذیرترین گروه ها خواهد بود. بین المللی شدن مطالعات آکادمیک و آموزش برای توسعه ای پایدار جنبه های مثبت جهانی شدن است. افزایش پاسخگویی اجتماعی دولت ها در زمینه های زیست محیطی و حقوق بشر یکی از اثرات جهانی شدن است. فرهنگ شهر به فرهنگ جهانی نزدیک می شود مثبت یا منفی. با این وجود متأسفانه به دلیل غالب بودن رویکرد اقتصادی جهانی شدن بالقوه نابرابری ها را در ایران زیاد میکند و اثرات منفی خود بر سلامت اجتماعی خواهد داشت اما اثرات مثبت آن شامل ارتقای سواد ایرانیان را نمی توان نادیده گرفت.

نتایج به دست آمده با مطالعات دیگری هم که در کشور انجام شده تطابق دارد:

مطالعه ای با عنوان انسان، انرژی، محیط زیست و چشم اندازی به آینده توسط محرم دولتشاهی پیروز و هادی طهماسبی

آشتیانی³¹ در سال ۱۳۸۹ در تهران انجام شد، بیان شده است که آینده پژوهی و کاربردهای آن در ابعاد جهان شمول طی دو دهه گذشته رشد و گستردگی فراوانی در کشورهای توسعه یافته جهان پیدا نموده که ماحصل آن گردهمایی متخصصین و اندیشمندان در قالب کارگروه های مختلف و به منظور تعیین چشم اندازها و برنامه ریزی های راهبردی بوده است. در این مطالعه بیان شده است که طی ۳۴ سال گذشته میزان مصرف انرژی در جهان نزدیک به دو برابر شده است که این خود به نوعی اشاره به رشد تصاعدی استخراج، تولید و مصرف منابع فسیلی طی این مدت دارد و مطابق گزارش سالانه شرکت بریتیش پترولیم³⁴ روند مصرف انرژی در کشورهای پیشرفته طی سال های گذشته رشد قابل ملاحظه ای نداشته، هرچند که در کشورهای در حال توسعه، رشد چشمگیری در تقاضای مصرف انرژی مشاهده می گردد و این تمایل شدید به مصرف انرژی در این کشورها با روندی به مراتب سریع تر از رشد جمعیت در حال پیگیری است و کل ذخایر قابل استحصال و مرسوم نفت خام طی ۳۳ سال آینده و گاز طبیعی طی ۴۴ سال آینده و ذغال سنگ طی ۷۸ سال آینده پایان خواهد پذیرفت. مطابق گزارش آژانس بین المللی انرژی³⁶ با توجه به روند رو به کاهش ذخایر فسیلی، در آینده نزدیک کشورهای زیادی تمایل به استفاده از انرژی های غیر فسیلی پیدا خواهند نمود و سایر انرژی های نو به سختی خواهند توانست در بازه زمانی کوتاه، جایگزین منابع فسیلی شوند. بنابراین همچنان طی ۲۰ تا ۳۰ سال آینده، منابع فسیلی نقش کلیدی را در تأمین انرژی جهان ایفاء خواهند نمود.

در جمع بندی روندها و ارائه چشم اندازی تحلیلی از آینده در این مطالعه چنین بیان می شود که کشورهای در حال توسعه که بخش عمده جمعیت امروز جهان را در خود جای داده اند، بنا به ضرورت رشد اقتصادی و صنعتی و تأمین نیازهای خود در بخش کشاورزی و دامپروری و در نتیجه ایجاد رفاه بیشتر در جامعه، چاره ای جز مصرف بیشتر انرژی را ندارند که این موضوع در این کشورها عموماً با تخریب بیشتر محیط زیست همراه بوده که با سیاست گذاری های مربوط به ممانعت از تداوم افزایش دمای کره زمین در تضاد قرار می گیرد. از طرفی دیگر نیز میزان مصرف انرژی در کشورهای توسعه یافته و مرفه در مقایسه با جمعیتی که در خود جای داده اند، بسیار بالاست که این موضوع موجب بیشتر شدن شکاف موجود بین فقیر و غنی در جهان می شود. بنابراین علی رغم تلاش های گسترده سازمان های بین المللی به خصوص در ده سال گذشته در رابطه با کاهش فقر و گرسنگی و همچنین جلوگیری از افزایش دمای کره زمین، تاکنون نتایج قابل توجهی در مقایسه با انتظارات و اهداف تعیین شده کسب نگردیده است. علاوه بر موارد فوق بحران های دیگری نظیر دسترسی

آسان به مواد مخدر، وقوع جنگ های بنیادین ناشی از اختلافات مذهبی، تقاضای بالای مهاجرت به کشورهای پیشرفته نیز قابل اشاره است. البته تحولات آینده در بخش مدیریت، اینترنت و فناوری اطلاعات بسیار شگرف خواهد بود و پیش بینی می گردد که کشورهای جهان به ناچار به سمت کاهش روند مصرف انرژی و کاهش تولید گازهای گلخانه ای خواهد رفت. بنابراین بایستی آمادگی مواجهه با آینده ای پرمخاطره از بعد اقلیمی و تبعات آن از نقطه نظرات اجتماعی، اقتصادی و امنیتی را داشته باشیم. همچنین افزایش فاصله طبقاتی و توزیع ناهمگون رفاه و ثروت در بین مردمان جهان از یکسو و محدودیت در دسترسی به منابع انرژی، آب و غذا در آینده از سوی دیگر، می تواند منشاء بروز اعتراضات گسترده اجتماعی و گسترش خشونت و ناامنی در جهان شده و به یک بحران جدی و تمام عیار تبدیل گردد.

مطالعه ای با عنوان مخاطرات انسانی: تهدیدهای امنیتی ناشی از تقابل انسان و محیط توسط محمد رئوف حیدری فر³³ در سال

۱۳۹۰ انجام شده است. این پژوهش ماهیتی توصیفی تحلیلی داشته و با نگاهی آینده پژوهی به مخاطرات جهانی می نگرد.

در این مطالعه بیان شده است که امروزه با توسعه علم انسان و پیشرفت فناوری و افزایش جمعیت بر بحران محیط زیست افزوده می شود. روزه روز بر میزان جمعیت اضافه و از مقدار منابع کم میشود. این در حالی است که برخی از این منابع تجدید ناپذیر نیز هستند. امروزه به دلیل پیشرفت فناوری، آلودگیهای طبیعت و غیره، انسان با مخاطرات جدیدتری روبه رو شده است. از جمله سوراخ شدن لایه ازن، به دلیل گازهای گلخانه ای، بالا آمدن سطح آب اقیانوس ها، ذوب شدن یخچال ها و یخ های قطبی و افزایش درجه حرارت محیط که این خود باعث به وجود آمدن بحران های انسانی همانند کمبود زمین، مشکلات کشاورزی و کمبود منابع غذایی می شود.

همچنین انسان امروزی زباله هایی تولید می کند که در طبیعت گازهای زیادی ایجاد می کند و برای خود وی بسیار خطرناک است. زباله های هسته ای، پخش مواد رادیواکتیو از جمله مخاطراتی است که طی سال های اخیر، فضای مسکونی این کره خاکی که بشر در آن تنهاست را به مخاطره کشانده است. در این مطالعه بیان شده است که جهانی که در آن زندگی می کنیم، نسبت به گذشته خطرناکتر شده است و با این روند و به دلیل وجود برخی از نیازهای انسانی و زیاده خواهی های وی، تضعیف نقش دین در مسائل مختلف، پیشرفت علم و فناوری و رفاه و قدر طلبی با بحران ها و مخاطرات زیادی، همانند انفجار جمعیت، تخریب محیط زیست، منابع و نابرابری روزافزون بین فقیر و غنی روبه رو خواهد شد. بشر امروز با بیماری های کشنده و خطرناکی روبه روست که ناشی از تغییر در ژنتیک و دستکاری در طبیعت است. تغییرات آب و هوایی ناشی از علل انسانی و بسیاری از پیامدهای منفی ناشی از رابطه انسان و محیط، از رهیافت ژئوپلیتیک محیط زیست قابل بررسی است. برخی از این موارد حتی از سوی قدرت های مختلف به عنوان یک اسلحه در جهت مقابله با دشمن استفاده می شود که از آن به نام جنگ اکولوژیک یا در مورد بیماریها، جنگ بیولوژیک نام برده می شود؛ جنگ بر سر منابع کمیاب نیز، به ویژه در مناطق بحرانی وجود دارد؛ برخی ها از ایجاد جنگ ها برای آب در مناطق خشکی همانند خاورمیانه بحث می کنند. تمامی مواردی که به عنوان مخاطره مطرح می شود، زمینه اختلال در زندگی انسان که موجودی تنها در این هستی بوده را فراهم کرده است.

مطالعه ای با عنوان بررسی نیازهای منابع انسانی برنامه پنجم توسعه: رویکردی آینده پژوهی در ایران توسط حسن عابدی

جعفری^{۷۱}، داود سلمانی و محبوبه رادمند انجام شده است. در این مطالعه بیان شده است که منابع انسانی با ارزشترین سرمایه هر کشور محسوب شده و محور توسعه به شمار می آید. این مقاله با استفاده از روش آینده پژوهی به طراحی چند سناریو برای شرایط آتی کشور پرداخته و با نظرسنجی از خبرگان، دو سناریوی محتمل تر شناسایی شده و بر اساس آن، نیازهای منابع انسانی در برنامه پنجم توسعه مورد بررسی قرار گرفته است.

سناریوی تغییرات اساسی محیط داخلی و خارجی و آثار آن بر منابع انسانی کشور شامل موارد زیر میباشد:

در رابطه با تغییرات اکولوژیکی آثار کمی عبارت اند از: کاهش اشتغال در بخش کشاورزی ناشی از کاهش نزولات آسمانی و افزایش مهاجرت افراد شاغل در این بخش به شهرها؛ افزایش مرگ و میر ناشی از تغییرات آب و هوایی و آلودگی هوا؛ آثار کیفی عبارت اند از: تهدید امنیت غذایی ناشی از تغییر الگوی بارش؛ امکان شیوع بیماری های ناشی از تغییر اقلیم مثل مالاریا، کلرو، دنگو و غیره کاهش کیفیت آب، تهدیدکننده سلامت انسان به خصوص کودکان و سالمندان؛ تهدید محیط زیست، ذخیره سازی آب و غیره ناشی از تهدید سلامت تالاب ها و نیاز به ارائه آموزش در این زمینه؛ نیاز به تربیت نیروی متخصص در کشاورزی و آموزش کشاورزان در جهت کاهش فرسایش خاک و افت حاصلخیزی آن؛ ترویج فرهنگ جوی با توجه به خشکسالی و مشکل ایجاد برق در کشور. میزان شدت مصرف انرژی در کشور ۱۷ برابر ژاپن، چهار برابر کانادا و دو برابر چین است و اگر این روند ادامه یابد، در آینده با بحران رو به رو خواهیم بود. مصرف بیش از حد انرژی در بخش های مصرف خانگی و تجاری موجب ایجاد مشکل در تأمین انرژی بخش های تولیدی گردیده و بر توسعه اقتصادی کشور نیز اثرگذار خواهد بود. در رابطه با تغییرات جمعیتی آثار کمی عبارت اند از: کاهش سطح زاد و ولد و باروری در جهت کنترل رشد جمعیت؛ افزایش عرضه نیروی کار در سنین جوانی ناشی از تراکم جمعیت در این سنین (حال و آینده نزدیک)؛ کاهش عرضه نیروی کار در آینده ناشی از سالخوردگی جمعیت (آینده دور). آثار کیفی عبارت اند از: تغییر ساختار سنی جمعیت در آینده از وضعیت جوانی به سالخوردگی؛ نیاز به افراد متخصص طب سالمندان و تربیت آنها ناشی از سالخوردگی آتی جمعیت؛ تراکم جمعیت در سنین جوانی و نوجوانی و مشکل اشتغال، آموزش و ازدواج آنها؛ افزایش پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چون طلاق، اعتیاد، انواع جرم و جنایت ناشی از افزایش بیکاری؛ افزایش بار تکفل جامعه و بار مالی سازمان های حمایتی و بیمه ناشی از سالخوردگی آتی و به دنبال آن نارضایتی سایر بیمه شدگان. به اعتقاد کارشناسان، با توجه به تغییرات اساسی در جهان ناشی از انقلاب دیجیتال و فناوری و تأثیر آن بر ایران می توان گفت انقلاب دیجیتال فرصت های بسیاری برای توسعه ایران دارد؛ در حوزه اقتصاد، ورود صنعت ایران به فضاهای پر رقابت جهانی، بهبود بهره وری در بخش کشاورزی و بهبود خدمات رسانی و در بخش خدمات، تخصصی شدن مشاغل و برچیده شدن مشاغل سنتی، امکان پذیری آموزش های نوین از جمله آموزش های الکترونیکی و ارتقاء دانش و مهارت نیروی انسانی به عنوان یکی از ضروریات دنیای پیچیده امروز، ایجاد دولت الکترونیک و به تبع آن افزایش رفاه مردم، ایجاد امنیت ملی، امکان مشارکت بیشتر مردم در صحنه مدیریتی در معرض خطر قرار گرفتن عناصر سنتی ملی با باز شدن مرزها به روی فناوری های جدید، نامن شدن نظام های امن اطلاعات دولتی و حکومتی، پیشرفت نرم افزارهای سرعت و دسترسی ی جوانان رایانه باز به راه و رسم این کار .

اثر تغییرات اقتصادی نیز به شرح زیر پیش بینی شده است :

- افزایش تورم در کشور و شدت یافتن فشار معیشتی و بحران اشتغال در جامعه
- توسعه مناطق آزاد تجاری صنعتی منجر به اشتغال زایی، تربیت نیروی انسانی متخصص و افزایش درجه مهارت نیروی کار
- افزایش روند خصوصی سازی موجب بهبود بهره وری و تولید، افزایش رفاه، صرفه جویی در هزینه ها میشود
- افزایش بهای نفت از یک سو، افزایش درآمد نفت می تواند باعث رشد تولید شده و فرصت های شغلی زیادی را فراهم آورد.

اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی نیز به شرح زیر است :

- مهاجرت به خارج: مهاجرت گسترده نیروی انسانی به ویژه نیروی ماهر و متخصص یکی از مسائلی است که می تواند کشورهای در حال توسعه مثل ایران را دچار بحران نماید. همچنین، این مهاجرت ها، تبعات اجتماعی و روانی بسیار مخربی بر خانواده ها میگذارد، زیرا باعث ایجاد مشکلات خانوادگی و تک سرپرست شدن اغلب خانواده ها می گردد.
- مهاجرت در داخل: آنچه در زمینه این نوع مهاجرت اهمیت دارد شناخت عوامل زمینه ساز مهاجرت ها و اقداماتی است. افزایش روند این نوع مهاجرت ها مشکلات اشتغال آنها را مطرح می کند که باید سیاست های درستی در این زمینه اندیشیده شود.
- افزایش نرخ مشارکت زنان: درسال های اخیر، نرخ مشارکت مردان روندی کاهنده و نرخ مشارکت زنان روندی فزاینده داشته است که پیش بینی می شود این روند در سال های آتی نیز ادامه یابد. افزایش مشارکت زنان در جامعه می تواند باعث رشد فرهنگ عمومی و بهبود شاخص توسعه اجتماعی گردد، ولی از طرف دیگر، زنان به دلیل تحصیلات بالا، فرصت شغلی را از مردان نان آور گرفته، موجب بیکاری آنان می شوند و با توجه به بالا رفتن سن ازدواجشان، فاصله سنی زیادی با فرزندانشان پیدا می کنند و این در نهایت موجب شکنندگی خانواده ها و بحران اجتماعی می گردد.
- رسانه های جدید الکترونیکی: که از این پس نقش بسیار مؤثری در تغییرات فرهنگی ایران ایفا خواهد کرد. رسانه ها می توانند زیرساخت های فرهنگی مناسب از قبیل ایجاد کار گروهی، فرهنگ تفکر، کارآفرینی، آینده نگری، فرهنگ نظم و حسابگری را رواج داده و باعث پیوند دادن نوآوری ها به سنتها گردد.

مطالعه ای با عنوان رویکرد آینده پژوهی به آینده انرژی در ایران توسط فیروزه خلعت بری^{۷۲} در سال ۱۳۸۸ در تهران انجام شده

است. در این مطالعه بیان شده است که آینده نگری در انرژی یکی از مباحثی است که با توسعه پایدار و پیوستگی همه جانبه کشورهای جهان به یکدیگر ارتباطی ساختاری دارد. برای روشن شدن موضوع باید به چند نکته اشاره شود: نخست اینکه امروز ثابت شده است که توسعه پایدار ممکن نیست مگر آنکه میزان گازهای کربنیک تولید شده در جهان در پایین ترین حد ممکن نگاه داشته شود. نکته دوم، مهم ترین عامل اثرگذار بر میزان گازهای کربنیک انرژی است. نکته سوم، کنترل گازهای کربنیک و دستیابی به محیط زیست مطلوب یک امر جهانی است و هیچ کشور جهان نمی تواند در این زمینه سیاستی انفرادی را اجرا کند و نکته چهارم این است که انرژی یک کالای مشتقه است و هیچ کس انرژی را بدون همراهی حامل انرژی با ابزار استفاده از حامل نمی تواند بررسی کند. افزایش گاز کربنیک با پایداری ناسازگار است. امروز ثابت شده است که اگر قرار باشد مقدار گاز کربنیک موجود در سطح پایین باقی بماند، چاره ای نیست جز آنکه بخش انرژی میزان تولید انواع گازهای کربنیک را در کمترین حد نگاه دارد. با عنایت به الزامات توسعه پایدار، موضوع کاهش آلاینده های انرژی محوری است که در آینده نگری در مورد انرژی باید به آن توجه شود.

یکی از محدودیت های این مطالعه ذکر روندهای منفی آینده است که خود ناشی از متون تحقیقاتی موجود است و به مبانی آینده شناسی که نوعی ابزار تحلیل خطر محسوب می شود مرتبط است، از دیگر محدودیت ها نبود منابع کافی ملی برای مقایسه این مطالعه است. این تحقیق در نوع خود اولین پژوهشی است که بطور کیفی به بررسی آینده شناسی و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی ایرانیان پرداخته است و سعی شده تا از همه تخصص های مرتبط و خبره در این زمینه استفاده کند.

در مجموع با توجه به روندهای چهارگانه اتفاق مهم آینده چالش منابع است که اثر نهایی و بالقوه آن در افزایش نابرابری ها و سپس تهدید اجتماعی خود را نشان می دهد، نابرابری ها به عنوان کلیدی ترین عامل خطر سلامت جوامع مطرح هستند. بنابراین به عنوان یک راهبرد خلاصه با هدف مثبت کردن تأثیر روندهای جهانی بر سلامت اجتماعی ایرانیان از عبارت مدیریت بحران نابرابری ها استفاده هستیم چراکه فرایند منطقی مدیریت بحران از پیش بینی و پیشگیری شروع می شود.

شایسته است اقدامات پیشنهادی زیر توسط تصمیم سازان و سیاستگذاران کشور مورد توجه قرار گیرد:

- مدیریت مصرف بهینه انرژی بیش از پیش از طریق مداخلات فرهنگی و فنی در اولویت باشد؛
- افراد باید سالمندی سالم داشته باشند در این صورت هر فرد سالمند به صورت کانونی است که سایر افراد را به دور خود جمع می کند که باعث افزایش تعاملات بین افراد و به نوبه خود افزایش سرمایه اجتماعی جامعه می شود.
- مهاجرت های برون مرزی را مدیریت کنیم و جذب مهاجرهای فکری و نه کارگریدی را یک نیاز بدانیم
- سفرهای غیر ضروری (داخل شهری و بین شهری) و بهره گیری از زیرساخت های فناوری اطلاعات جهت ایجاد ارتباطات را یک نیاز بدانیم
- بیش از پیش در توسعه کشاورزی، دامپروری و شیلات سرمایه گذاری شده و رفتار کشاورزی برای خانواده های ایرانی ترویج شود.
- سیاست های جمعیت با آینده نگری رفاهی، معیشتی و ملاحظات زیست محیطی مدیریت شود
- تخریب محیط زیست رصد شده و به اندازه کافی جامعه حساس شود و در این مورد مانند مفسد اقتصادی جدیت برخورد وجود داشته باشد.
- فضاهای سبز به اشکال گوناگون توسعه یابد انجا و درختکاری به عنوان رفتار اجتماعی سالم ترویج و حتی با استفاده از فتاوی مراجع عظام یک ضرورت معنوی محسوب شود
- فرهنگ توریسم سالم، تحمل تنوع عقاید، فرهنگها و چگونگی استفاده از فرهنگ های قوی در جهان در عین افزایش و احترام به هویت ملی و تعلق خاطر ملی ترویج داده شود.
- توسعه تحقیقات کاربردی آینده نگر و تعیین اولویت های تحقیقاتی در فناوری های نوین برای مدیریت مسائل جمعیت، اقلیم، منابع طبیعی و جهانی شدن در گذار از بحران های آینده بسیار راهگشا است
- دیپلماسی فعال وزارت امور خارجه در تغییر سیاست های حاکمان جهان در راستای کاهش نابرابری ها، ایجاد صلح و امنیت پایدار در جهان در مدیریت بحران های آینده مؤثر است.
- استفاده بیش از پیش از فناوری اطلاعات جهت آگاهی ایرانیان از وضعیت به روز جهان در بخش های ذخایر انرژی، تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت، آب بهداشتی، کشاورزی، دامپروری و شیلات ضروری است
- برنامه ریزی برای کاهش سهم ایران در تولید گازهای گلخانه ای (به عنوان ریشه بسیاری از خطرات آینده) به کمترین حد ممکن در بین ملل جهان اجرا شود و به عنوان یک ابزار تبلیغی و ترویجی برای حمایت طلبی جهانی از طرف جمهوری اسلامی مطرح شود.

- نیروی متخصص درکشاورزی و آموزش کشاورزان در جهت کاهش فرسایش خاک و افت حاصلخیزی آن تربیت شده؛ فرهنگ صرفه جویی با توجه به خشکسالی و مشکل ایجاد برق در کشور ترویج یابد
 - تربیت نیروی انسانی متخصص در زمینه اقتصاد و تکنولوژی است، زیرا نیروی انسانی یکی از مهم ترین شاخصه های توسعه و انتقال تکنولوژی است.
 - دبیرخانه توسعه پایدار ایران در بالاترین مراجع تصمیم گیری و فعالانه پابرجا شود.
- با توجه به گستردگی تاثیرات تهدید کننده روندهای آینده بر سلامت اجتماعی، ضرورت تدوین برنامه ملی سلامت اجتماعی، ورود هدفمند اجزای آن به برنامه های ششم و هفتم توسعه کشور و رصد ملی شاخص های مختلف سلامت اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی ضروری است.

مشارکت کنندگان:

دکتر بهزاد دماری^۱، دکتر مریم حاجیان^۲، دکتر سهپند ریاضی^۳، دکتر فریما مینائی^۳

۱- بوردا تخصصی پزشکی اجتماعی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران (مجری)

۲- بوردا تخصصی پزشکی اجتماعی (همکاران اصلی)

۳- دستیار پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (همکار اصلی)

ناظر ارشد: دکتر سیدحسن امامی رضوی

گروه همکاران که در مورد نتایج طرح مشورت داده اند: اعضای منتخب گروه سلامت اجتماعی

دکتر حسین باهر، دکتر فرهاد نصرتی نژاد، دکتر امیرحسین تکیان، دکتر ناصحی، دکتر مصطفی اقلیما، دکتر صفاری نیا، دکتر نرگس تبریزی، دکتر رمضان خانی

با تشکر ویژه از حمایت های:

۱. جناب آقای دکتر علیرضا مرنندی: ریاست محترم فرهنگستان

۲. جناب آقای دکتر فریدون عزیزی: معاون علمی فرهنگستان

۳. جناب آقای مهندس ولایی: مدیر پژوهش و علم سنجی فرهنگستان

لیست مصاحبه شوندهگان (به ترتیب حروف الفبا)

آگاه شماره ۱: (جناب آقای دکتر سید حسن امامی رضوی)

آگاه شماره ۲: (جناب آقای پروفیسور حسین باهر)

آگاه شماره ۳: (جناب آقای دکتر امیرحسین تکیان)

آگاه شماره ۴: (جناب آقای دکتر حسن رفیعی)

آگاه شماره ۵: (جناب آقای دکتر علی رمضانخانی)

آگاه شماره ۶: (جناب آقای دکتر حسین سالاریان زاده)

آگاه شماره ۷: (جناب آقای دکتر مجید صفاری نیا)

آگاه شماره ۸: (جناب آقای دکتر محمد تقی فعالی)

آگاه شماره ۹: (سرکار خانم نسربین گودرزی)

آگاه شماره ۱۰: (جناب آقای دکتر حبیب الله مسعودی فرید)

آگاه شماره ۱۱: (جناب آقای دکتر عباسعلی ناصحی)

آگاه شماره ۱۲: (جناب آقای دکتر فرهاد نصرتی نژاد)

آگاه شماره ۱۳: (جناب آقای دکتر عباس و ثوق مقدم)

- 1 - World Health Organization., 1948. Constitution of the World Health Organization, [Online.] World Health Organization. Available from: http://www.who.int/governance/eb/who_constitution_en.pdf
- 2 - Damari, B., Vosough Moghaddam, A., Salarianzadeh, H., and Shadpoor, K., 2010. What are Ministry of Health and Medical Education functions in Social Health improvement?. 1st social health congress, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran [In Persian].
- 3 - Samaram E. Social Health and it's indices. Collection of articles and lectures of the 1st social health congress. Ministry of Health and Medical Education Publication, 2011: 68-75[Persian]
- 4 - ISA., Iran 2008, 1st national congress of social harms in Iran: social harms and it's trend evolution, 1, Agah Pub, Tehran [In Persian].
- 5 - Strategic Research Center of expediency council. Diagnosing social harms and threats of Iran at next decade. 2007[Persian]www.csr.ir
- ۶- امیدوی منصور، زرین پنجه ناصر. جهان در ۲۰۵۰. لارنس اسمیت (مؤلف). چاپ اول. تهران: انتشارات مهروستا، ۱۳۹۱.
- ۷- حسوندی احسان، حسوندی اسماعیل. جهانی شدن و جرم، کاتجا فرانکو آس (مؤلف). چاپ اول. تهران: نشر علمی، ۱۳۹۰.
- 8 - Doyle A, Randy K. Lippert, and David Lyon, eds. Eyes everywhere: The global growth of camera surveillance. New York: Routledge; 2012.
- 9 - La Vigne N.G., Lowry S.S., Markman J.A., Dwyer A. M. Evaluating the use of public surveillance cameras for crime control and prevention. Washington, DC: Urban Institute; 2011
- 10 - Schreier F, Caparini M. Privatising security: law, practice and governance of private military and security companies; 2010.
- 11- Ottaviano G, Peri G. NEW FRONTIERS OF IMMIGRATION RESEARCH: CITIES AND FIRMS*. Journal of Regional Science. 2013; 53(1): 1-7.
- 12- Ahadian O, Alizadeh A., Azeri O, Mahmoudinejad H. Urban Management and Internal Immigration regarding Socio-cultural Aspects (With Special Attention on Iran's Experiences and Condition). Journal of Sustainable Development. 2011; 4(2): p266.
- 13 - Wood D. B. Illegal immigration: Can states win fight against birthright citizenship. The Christian Science Monitor; 2011
- 14 - MacDonald J. Sampson, R. J. (Eds.) Immigration and the Changing Social Fabric of American Cities. SAGE; 2012; (Vol. 641). SAGE.
- 15 - Ekberg Gunilla, S. The Palermo Protocol. NIKK Magazin, Bodies across borders-prostitution and trafficking in women. 2002; 40-41.
- 16 - Ottaviano G, I, Peri G. Rethinking the effect of immigration on wages. Journal of the European Economic Association. 2012; 10(1): 152-197.
- 17 - Liu X. On the macroeconomic and welfare effects of illegal immigration. Journal of Economic Dynamics and Control. 2010; 34(12): 2547-2567.
- 18 - Shelley L. I. Human trafficking. Cambridge University Press; 2010
- 19 - World Health Organization, "Organ Trafficking and transplantation pose new challenges," IN FOCUS. September 1 2004.
- 20 - Ambagtsheer F, Weimar W. A criminological perspective: why prohibition of organ trade is not effective and how the Declaration of Istanbul can move forward. Am J Transplant. 2012 Mar;12(3):571-5.
- 21 - Kelly E. International Organ Trafficking Crisis: Solutions Addressing the Heart of the Matter. Boston College International and Comparative Law Review, Forthcoming; 2012.
- 22 - Tastsoglou, E, Preston V. Gender, immigration and labour market integration: Where we are and what we still need to know. Atlantis: Critical Studies in Gender, Culture & Social Justice. 2012; 30(1): 46-59.
- 23 - Farr K. Sex trafficking. Worth Publishers; 2005.
- 24 - Doezema J. Sex slaves and discourse masters: The construction of trafficking. London: Zed Books; 2010
- 25 - Bales K, & Soodalter R. The slave next door: Human trafficking and slavery in America today. University of California Pr; 2010.
- 26 - Robinson P, Lück M., Smith S. The future of tourism. Tourism; 2013. 473-491.
- 27 - Brun W, Wolff K, Larsen S. Tourist worries after terrorist attacks: Report from a field experiment. Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism 2011; 11(3): 387-394.
- ۲۸- کابایی محمد سعید، سبک های فراغتی جوانان، به سفارش اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران: نشر تیسرا ۱۳۹۱:۴۳.
- ۲۹- کاستنلر: ۱۳۸۰: ۳۸۶
- ۳۰- فاضلی نعمت الله، همسایگی در شهر مطالعه ای در زمینه چالش های فرهنگی همسایگی در ایران، به سفارش اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران: جامعه شناسان آینده نما ۱۳۹۰: ۴۳.
- ۳۱ - دولت‌نشاهی بیروز م، طهماسبی آشتیانی ه. انسان، انرژی، محیط زیست و چشم اندازی به آینده. فصلنامه راهبرد پاییز ۱۳۸۹؛ ۱۹ (۵۶) (بخش ویژه بررسی های سیاست خارجی): ۳۱۳-۳۴۳.
- 32 - Asgari, S., 2010, An Introduction to Environmental Geopolitics, Nevisandeh Publication, Arak, Iran. (In Persian)
- ۳۳- حیدری فر م. ر. مخاطرات انسانی: تهدیدهای امنیتی ناشی از تقابل انسان و محیط. فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی انسانی پاییز ۱۳۹۱؛ ۱۴ (۸۱): ۱۵۷-۱۷۶.
- 34 - British Petroleum Company (June 2009), BP Statistical Review of World Energy, Printed by Beacon Press, available online at www.bp.com/statisticalreview.
- 35 - Alboudwarej H, Badry R, Baker A, Beshry M, Brown G, Calvo R, Hathcock R, Hughes T, Kundu D, de Cárdenas J.A, West C. (2006), Highlighting Heavy Oil, Oilfield Review, Summer 2006 by Schlumberger.
- 36 - Energy Information Administration (2009), Annual Energy Review 2008, U.S. Government Printing Office, available online at www.eia.doe.gov/aer.
- 37 - Adams W.M. (2006), The Future of Sustainability Re-thinking Environment and Development in the Twenty-first Century, Report of the IUCN Renowned Thinkers Meeting, 29-31 January 2006, available online at www.iucn.org.
- 38 - OECD/International Energy Agency. CO2 Emissions from Fuel Combustion - Highlights (2009 edition), available online at www.iea.org
- 39 - United Nations Environment Programme/ GRID-Arendal (2009), Climate in Peril – A Popular Guide to the Latest IPCC Reports, Printed by Birkeland Trykkeri, Norway, available online at www.grida.no.
- 40 - United Nations Environment Programme/ GRID-Arendal (2006), Planet in Peril – An Atlas of Current Threats to People and the Environment, Printed by Birkeland Trykkeri, Norway, available online at www.grida.no.
- 41 - OH Pilkey, JA Cooper. Climate. Society and sea level rise. Science 2004; 303: 1781-1782.
- 42 - PC Milly, RT Wetherald, KA Dunne, TL Delworth. Increasing risk of great floods in a changing climate. Nature 2002; 415: 514-517.
- 43 - Munyuli MT, Kavuvu JM, Mulinganya G, Bwinja GM. The Potential Financial Costs of Climate Change on Health of Urban and Rural Citizens: A Case Study of Vibrio cholerae Infections at Bukavu Town, South Kivu Province, Eastern of Democratic Republic of Congo. Iran J Public Health. 2013 Jul 1;42(7):707-25.
- 44 - McMichael AJ, Lindgren E. Climate change: present and future risks to health, and necessary responses. J Intern Med. 2011 Nov;270(5):401-13.
- 45 - Kjellstrom T, Butler AJ, Lucas RM, Bonita R. Public health impact of global heating due to climate change: potential effects on chronic non-communicable diseases. Int J Public Health. 2010 Apr;55(2):97-103.
- 46 - Keatinge WR, Donaldson GC. The impact of global warming on health and mortality. South Med J. 2004 Nov;97(11):1093-9. Review. PubMed PMID: 15586600.
- 47 - Schär C, Vidale PL, Lüthi D, Frei C, Häberli C, Liniger MA, Appenzeller C. The role of increasing temperature variability in European summer heatwaves. Nature. 2004 Jan 22;427(6972):332-6.
- 48 - GA Meehl, C Tebaldi. More intense, more frequent, and longer lasting heat waves in the 21st century. Science. 2004; 305 : 994-997.
- 49 - Beggs PJ. Impacts of climate change on aeroallergens: past and future. Clin Exp Allergy. 2004 Oct;34(10):1507-13.
- 50 - M.L Parry, C Rosenzweig, A Iglesias, M Livermore, G Fischer. Effects of climate change on global food production under SRES emissions and socio-economic scenarios. Global Environmental Change. April 2004; 14(1): 53-67.
- 51 - Adger, W. Neil. "Social capital, collective action, and adaptation to climate change." Der Klimawandel. VS Verlag für Sozialwissenschaften 2010: 327-345.
- 52 - Labonte, R., and T. Schrecker. Globalization and social determinants of health: analytic and strategic review paper Ottawa: Institute of Population Health. 2006.
- 53 - Jenkins R (2004) Globalization, production, employment and poverty: debates and evidence. Journal of international development. 16: 1-12.
- ۵۴ - شوارتز پیتر، رویدادهای شگفت‌انگیز آینده.
- ۵۵ - گلریز حسن. جهانی‌سازی و مسائل آن. استیگلیتز جوزف (مؤلف). چاپ چهارم. تهران: انتشارات نشر نی.
- 56 - D. Intriligator, M (2003) Globalization of the world economy: potential benefits and costs and a net assessment, Milken institute, University of California
- ۵۷ - رمضانپور، الف. جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن روی اشتغال. مجله تحقیقات اقتصادی. ۱۳۸۴؛ ۶۸ (۱۵۵): ۱۷۸-۱۵۵.
- ۵۸ - جعفری صمیمی الف، قادری س، قادری ط. بررسی اثر بازبودن تجاری و جهانی شدن اقتصادی بر اشتغال: رویکرد آزمون کرانه ها. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی. پاییز ۱۳۹۲؛ ۱۳ (۲۲-۲۳): ۲۰۹-۲۲۸.
- ۵۹ - منقی الف، متین جاوید م. (۱۳۸۷) سیاست‌گذاری اقتصادی در عصر جهانی‌شدن اقتصاد. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. تابستان ۱۳۹۰؛ ۴۱ (۲): ۳۲۸-۳۰۹.
- 60 - Yuko Ogasawara (2007) Globalization and the future of work
- ۶۱ - خاتم الف. جهانی شدن و نیروی کار. مجله پژوهش و مجلس. ۱۳۸۴؛ ۱۱ (۴۳): ۱۳۳-۱۵۶.
- 62 - The OECD international forum designed for higher education institutions. Globalization and higher education: What might the future bring? 2009.
- 63 - United nations educational, scientific and cultural organization. Globalization and education for sustainable development. sustaining the future. 2005. Conference in Japan, Nagoya
- 64 - UN HABITAT .Dialogue on urban cultures: globalization and culture in an urbanizing world, world urban forum. Barcelona.. 2004
- 65 - Lampel, J, Shamsie, J .Uncertain globalization: evolutionary scenarios in the future development of the cultural industries. London: City University, Cass Business School.. 2008
- ۶۶ - امیدوی ع، رضایی ف. ابعاد سیاسی جهانی‌شدن و قومیت در ایران (بر اساس مطالعه میدانی دانشجویان منتخب از چهار قوم ایرانی، کرد، بلوچ، عرب و آذری). دو فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش سیاست نظری». ۱۳۸۹؛ ۸ (۱۴۱): ۱۷۰.
- ۶۷ - تاجزاده، م. جهانی شدن فرهنگی و اثرات آن بر سبک زندگی شهری: مطالعه موردی شهر اصفهان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و رفتاردرمانی. ویژه نامه سبک زندگی ۱۳۹۲؛ ۱۳ (۴): ۱۹۳-۱۶۵.
- 68 - Hirst, P, Thompson G. (2002). The future of globalization. Cooperation and Conflict. 2002; 37(3): 247-265.
- 69 - Huntington S. P. The clash of civilizations?. Foreign affairs 1993; 22-49.
- ۷۰ - دماری بهزاد (مؤلف). سلامت اجتماعی، تهران: طب و جامعه، زمستان ۱۳۹۲
- ۷۱ - عابدی جعفری حسن، سلمانی داود، رادمنند محبوبه. بررسی نیازهای منابع انسانی برنامه پنجم توسعه: رویکردی آینده پژوهی در ایران. فصلنامه راهبرد پاییز ۱۳۸۹؛ ۱۹ (۵۶): ۳۶۴-۳۴۵.
- ۷۲ - خلعت بری فیروزه، رویکرد آینده پژوهی به آینده انرژی در ایران. فصلنامه راهبرد پاییز ۱۳۸۸؛ ۱۸ (۵۲): ۶۹-۵۵.

پرسشنامه ارزیابی تأثیر روندهای جهانی بر سلامت اجتماعی ایرانیان						
حیطه ها	روند های جهانی	تأثیر بر سلامت اجتماعی ایرانیان را چگونه ارزیابی می کنید؟				
		تأثیر از نظر شما چیست؟	مهمترین دلیل این تأثیر از نظر شما چیست؟	تأثیر مثبت	تأثیر منفی	تأثیر بسیار منفی
۱- تغییرات ساختار جمعیتی	تغییر ترکیب سنی جمعیت (مسن تر شدن جمعیت) تغییر ترکیب جنسیتی جمعیت (افزایش نسبت زنان به مردان در برخی از جوامع) افزایش نسبت سرپای (افزایش تعداد سالمندان که باعث کاهش نسبت نیروی مولد جامعه می شود) تغییر در مفهوم بارزنتستگی (بالا تر رفتن سن بارزنتستگی) وارد شدن بیشتر زنان به بازار کار					
۲- نخبی:	گسترش شهرنشینی حاشیه نشینی و محلات فقیر نشین شورشهای شهری نظارت های شهری (گسترش دوربین های مدار بسته)					
۳- جرم (مهاجرت):	مهاجرت به طور عام مهاجرت های غیر قانونی، قاچاق انسان و به خطر انداختن جان در راه مهاجرت مهاجرت از طریق شبکه های شخصی خانوادگی و دوستان تأثیر پذیرفتن فرهنگ مهاجران و کشور میزبان از یکدیگر آلا بودن میزان ارتکاب جرم و جنایت در میان مهاجران فایده بین مهاجران با شهروندان بومی برای بدست آوردن شغل و امکانات رفاهی و ... یجاد موج نازشامی از مهاجران و به حاشیه رانده شدن مهاجران سبل های دوم و سوم مهاجران و مسائلی از قبیل تضاد فرهنگی زنان و مهاجرت					
۴- تجارت	تجارت جهانی روابط جنسی به طور عام ضعیت نگران کننده کودکان (مورد سوء استفاده قرار گرفته شدن کودکان) تهدید ایدز و سایر بیماریها					
۵- توریسم	توریسم به طور عام رونق اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی جدید تغییرات فرهنگی و اجتماعی کنترل امنیت مکان های توریستی					
۶- قاچاق:	تورریسم تجارت مواد مخدر جرم و جنایت سازمان یافته بین المللی					
۷- اینترنت	گسترش اینترنت به طور عام شبکه های اجتماعی و ایجاد روابط مجازی بین افراد آموزش های مجازی فراتر از مرزها دورکاری جرایم اینترنتی و رایانه ای					
۸- آب	مصرف بیش از اندازه آب و افزایش تقاضا برای آب، آلوده شدن منابع آب، نقصان ذخیره برف و یخ و تأخیر برای جبران منابع آب، سیل، خشکسالی شدید و بیابان زایی، قحطی					
۹- سوخت های فسیلی	پایان ذخایر گسترش انرژیهای جایگزین و کاهش وابستگی صنایع جهان به سوختهای فسیلی					
۱۰- انرژی هسته ای:	توان تولید برق افزایش تمایل کشورها به استفاده از انرژی هسته ای					
۱۱- تغییرات اقلیمی:	تخریب محیط زیست، افزایش گازهای گلخانه ای، افزایش دمای کره زمین، انقراض گونه ها					
۱۲- جهانی شدن	جهانی شدن به طور عام جهانی شدن فرهنگ غربی (الان همه جای دنیا فیلم هالیوودی میبینند و غذای fast food می خورند) کاهش نرخ بیکاری در کشورهای با اقتصاد باز تعطاف پذیری و مهاجرت نیروی کار جهانی شدن و فرهنگ و قومیت					

سایر پیشنهادات: